

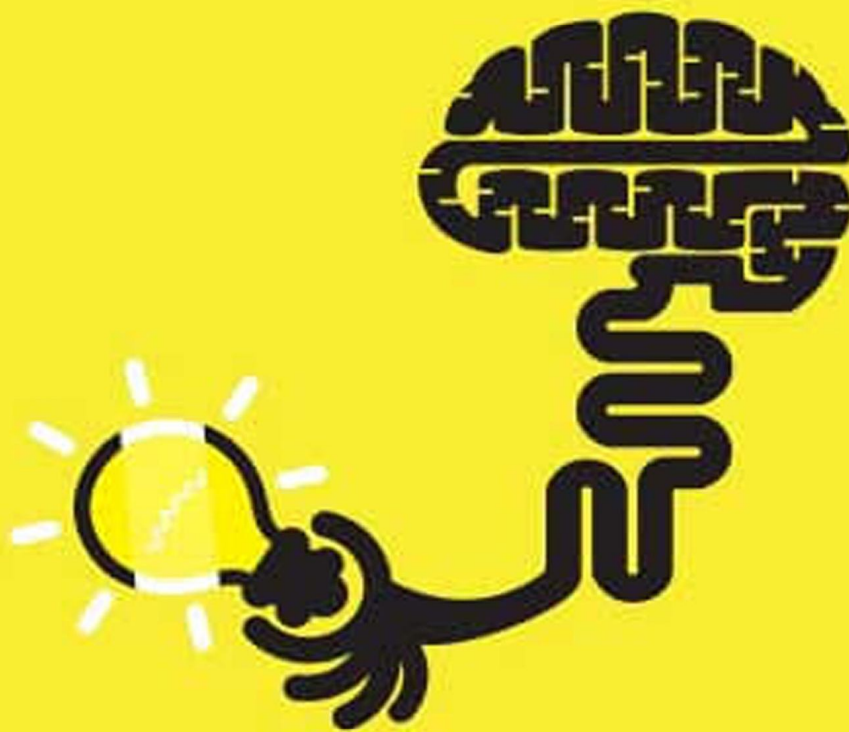
این کتاب به شما کمک می کند ذهن خود را برای ثروتمند شدن آماده کنید

رایگان

روانشناسی ثروتمند شدن

برای ثروتمند شدن ، اول باید ذهن ثروتمند داشته باشید...

ذهن ثروتمند نقطه آغاز ثروتمند شدن است. ذهن ثروتمند است که انسان پولدار می آفریند!
پولدار شدن قوانینی دارد. شما باید این قوانین ثروت را کشف کنید و در کسب و کار خود بکار بندید.



کتاب الکترونیکی شماره (۳۸) از مجموعه دانش و زندگی

عنوان : روانشناسی ثروتمند شدن

موضوع : اطلاعاتی مفید درباره علم ثروتمند شدن و تفکرات لازم در این زمینه

پدیدآورنده : رضا فریدون نژاد

ناشر اصلی : وب سایت مجموعه دانش و زندگی (www.dzbook.ir)

سال انتشار : بهار - ۱۳۹۷

تعداد صفحات : ۵۵ صفحه

قیمت : رایگان (این کتاب غیر قابل فروش می باشد)

ارتباط با مجموعه دانش و زندگی

www.Dzbook.ir

وب سایت

Info@dzbook.ir

ایمیل

Instagram.com/dzbook.ir

صفحه اینستاگرام

توزیع این کتاب برای تمامی سایتها و وبلاگها با ذکر منبع و انتشار رایگان بلامانع می باشد!

شما نمیتوانید محتوای این کتاب را تغییر دهید!

شما نمیتوانید این کتاب را بفروشید!

فهرست مطالب

۴ حق ثروتمند شدن در زندگی
۶ دانشی به نام ثروت اندوزی
۹ آیا فرصت ها انحصاری هستند؟
۱۱ اولین اصل علم ثروت اندوزی
۱۴ خلاصی از فکری بی اساس
۱۷ ثروت اینگونه به شما روی می آورد
۱۹ شکرگزاری، گامی اساسی
۲۱ تفکر به شیوه ای خاص
۲۴ بکارگیری قدرت اراده
۲۶ استفاده‌ی حداکثری از اراده
۲۹ اقدام به شیوه ای خاص
۳۲ اقدام موثر
۳۴ آغاز یک تجارت مناسب
۳۶ رشد و پیشرفت
۳۸ انسان در حال پیشرفت
۴۰ باورهایی که شما را ثروتمند می کند
۴۵ قوانین ذهن ثروتمند
۴۸ هوش مالی تان را تقویت کنید
۵۲ اسرار ویژه برای داشتن ذهن ثروتمند
۵۴ هنر کسب ثروت در چند مرحله

حق ثروتمند شدن در زندگی

در مدح فقر هر چقدر هم مدیحه سرایی شود این حقیقت هم‌چنان به قوت خود باقی خواهد ماند که داشتن یک زندگی کامل و توأم با موفقیت بدون کسب ثروت امکان‌پذیر نیست. هیچ انسانی بدون در اختیار داشتن پول فراوان نمی‌تواند به بالاترین درجه‌ی رشد روحی و یا شکوفایی استعدادهای خود برسد.

انسان برای رشد روحی و شکوفایی استعدادهایش به امکاناتی نیاز دارد که بدون پول نمی‌تواند آن‌ها را تهیه کند. جامعه‌ی انسانی طوری سازمان‌دهی شده است که مالکیت و استفاده از این امکانات صرفاً از طریق پول ممکن است. لذا علم ثروت‌اندوزی را می‌توان پایه و اساس تمامی پیشرفت‌های بشری دانست.

هدف از زندگی، رشد و بالندگی است و حق هر موجود زنده‌ای است که قابلیت‌های خود را تا حد امکان رشد دهد. حق حیات در انسان به این معنا است که او حق دارد از تمامی امکانات ممکن به‌طور آزادانه و نامحدود در جهت رشد و بالندگی جسمی، روحی و ذهنی استفاده کند یا به بیان دیگر او حق دارد که ثروتمند باشد. مفهوم ثروت در این کتاب یک مفهوم استعاری نیست.

معنی واقعی ثروتمند بودن قناعت به کمی نیست. هرکس که بتواند از امکانات بیش‌تری استفاده کند و لذت ببرد نباید به کم قانع باشد. هدف از خلق طبیعت، شکوفایی و بالندگی و رشد حیات است و هر انسانی باید بتواند هر آن‌چه را که به قدرت شکوه، زیبایی و زندگی پربار و غنی مربوط می‌شود در اختیار داشته باشد و قناعت به کم‌تر از آن گناه است.

ثروتمند کسی است که تمامی امکانات لازم را برای یک زندگی پربار در دست دارد. هیچ انسانی نمی‌تواند بدون پول فراوان، تمامی نیازهای خود را بر آورده سازد. امروزه زندگی بسیار پیشرفته و پیچیده شده است و هر زن و مرد معمولی برای رسیدن به خواسته‌های خود به ثروت زیادی نیاز دارد. گرایش و میل ذاتی هر انسان، تبدیل شدن به آن چیزی است که قابلیت‌های آن در درون وی به امانت نهاده شده است. ما باید بپذیریم که خواهان آن بودنی هستیم که می‌توانیم باشیم.

معنای موفقیت در زندگی این است که همان چیزی شویم که می‌توانیم و می‌خواهیم.

و این کار را می‌توانیم با استفاده از امکاناتی انجام داد که ثروت امکان خریداری آن‌ها را به ما می‌دهد. درک و شناخت علم ثروت‌اندوزی از ضروری‌ترین دانش‌ها است. هیچ اشکالی ندارد اگر که بخواهید ثروتمند شوید. تمایل به ثروت در واقع گرایش به زندگی غنی‌تر، پربارتر و سرشارتر است که این میل قابل تحسین و ستایش است.

انسانی که فاقد یک زندگی پربار است انسانی غیرطبیعی است. کسی که نخواهد در جهت رسیدن به خواسته‌ی خود پول کافی در دست داشته باشد غیرطبیعی است.

انسان با سه انگیزه و هدف زندگی می‌کند. ما برای جسم، ذهن و روح خود زندگی می‌کنیم. هیچ‌کدام از موارد فوق بر دیگری برتر یا مقدس‌تر نیستند. همگی به یک اندازه مطلوب هستند و حیات پربار در هر کدام از سه عرصه‌ی جسم، روح و ذهن در گرو تجلی پربار آن دو عرصه‌ی دیگر است.

درست و شرافتمندانه نیست صرفاً در خدمت روح زندگی کرد و جسم و ذهن را به کناری گذاشت. زندگی کردن در خدمت ذهن و نادیده گرفتن نیازهای جسمی و روحی نیز خطا است. همگی با پیامدهای نفرت‌انگیز حیات صرفاً جسمانی و انکار نیازهای روحانی و ذهنی آشنا هستیم.

حیات واقعی به معنای تجلی کامل آن چیزهایی است که انسان بتواند با استفاده از جسم، ذهن و روح خود به عرصه برساند. هیچ انسان پیش از آن که جسم‌اش در تمامی کارکردهای خود به کمال نرسیده باشد به سعادت واقعی و رضایت نمی‌رسد.

همین مطلب درباره‌ی روح و ذهن هم صادق است. در جایی که احتمال به ظهور نرسیده‌ای وجود دارد و یا بالقوه‌ای بالفعل نشده است، میل ارضاء نشده‌ای وجود خواهد داشت و این میل همان احتمالی است که می‌خواهد متجلی شود و یا بالقوه‌ای است که در طلب به فعلیت درآمدن است.

انسان نمی‌تواند بدون غذای مناسب و لباس راحت و سرپناه گرم و رهایی از رنج و زحمت طاق‌فرسای کار جسمی حیات کاملی را تجربه کند. استراحت و تفریح در یک حیات کامل جسمی ضروری است. انسان نمی‌تواند بدون کتاب و زمانی کافی برای مطالعه و داشتن فرصت سفر و هم‌چنین داشتن دوستانی که از لحاظ عقلی او را رشد دهند، یک حیات کامل ذهنی را تجربه کند.

برای یک حیات کامل ذهنی باید تفریحات عقلی در اختیار داشت. باید بتوان آثار هنری زیبا را در اطراف دید و آن‌ها را ستود. حیات روحی کامل، نیازمند عشق‌ورزی است و فقر مانع از تجلی عشق می‌شود.

بالاترین درجه‌ی سعادت روحی در انسان زمانی است که بتواند هدیه‌ای را به عزیزانش تقدیم کند. عالی‌ترین و طبیعی‌ترین تجلی عشق در بخشش است. انسانی که نتواند هدیه‌ای را ببخشد نمی‌تواند نقش خود را به‌عنوان همسر و پدر یک شهروند و یا یک انسان به‌درستی ایفا کند.

در استفاده از امکانات مادی است که انسان حیات کامل جسمانی را درک می‌کند. ذهن خود را پرورش می‌دهد و روح خود را می‌گشاید. بنابراین ضروری است که انسان ثروتمند باشد. ثروتمند بودن حق مسلم شماسست و هیچ زن و مرد طبیعی نمی‌تواند به غیر از این فکر کند. کاملاً حق دارید که توجه کامل خود را به علم ثروت‌اندوزی معطوف کنید. زیرا که شرافتمندانه‌ترین و ضروری‌ترین دانش‌هاست. اگر از مطالعه‌ی این دانش سرباز زنید، در وظیفه‌ای که نسبت به خود و بشریت و حتی خدا دارید کوتاهی کرده‌اید. زیرا بزرگ‌ترین خدمتی که می‌توانید به بشریت کنید این است که بهره‌ی لازم را از وجود خود ببرید.

دانشی به نام ثروت اندوزی

علمی به نام ثروت اندوزی وجود دارد که همانند علوم ریاضی و جبر، علمی دقیق است و طبق قوانین خاصی فرآیند دستیابی به ثروت را هدایت می‌کند. انسان به محض قرار گرفتن در به کار بستن این قوانین، می‌تواند با دقت ریاضی‌وار ثروتمند شود. تملک اشیاء و پول در نتیجه‌ی انجام کارها به شیوه‌ای خاص رخ می‌دهد. آن‌هایی که کارها را دانسته یا ندانسته به این شیوه‌ی خاص انجام می‌دهند به یقین ثروتمند خواهند شد.

در حالی که آن‌هایی که از این شیوه‌ی خاص بهره نمی‌گیرند، بدون توجه به میزان سخت‌کوشی و توانایی‌هایشان فقیر باقی می‌مانند. طبق یک قانون طبیعی، علل یکسان نتایج یکسان به بار می‌آورد. بر اساس این قانون، هر زن و مردی که انجام کارها را به شیوه‌ای خاص فرا گرفته و به کار بسته باشد، قطعاً می‌تواند ثروتمند شود. درستی عبارت فوق را می‌توان با استفاده از حقایق زیر ثابت کرد.

ثروت‌اندوزی هیچ ارتباطی با محیط پیرامون ندارد، زیرا در غیر این‌صورت تمامی ساکنان یک محله یا یک شهر باید ثروتمند می‌شدند. در حالی که ساکنان شهرهای دیگر همگی فقیر باقی می‌مانند، یا ساکنان شهری باید غرق ثروت می‌بودند، در حالی که ساکنان شهر هم‌جوار در فقر به سر می‌بردند.

در همه جا فقیر و غنی را در کنار یک‌دیگر می‌بینید و این در حالی است که در یک محیط زندگی می‌کنند و اغلب به یک حرفه هم مشغول هستند. وجود دو نفر با تجارتی یکسان در یک محله در حالی که یکی فقیر و دیگری ثروتمند است، نشان می‌دهد که ثروت‌اندوزی اساساً به محیط پیرامونی وابسته نیست.

البته برخی فضاها در مقایسه با محیط‌های دیگر ممکن است مطلوب‌تر باشند. اما هنگامی که دو نفر در یک تجارت و در یک محله فعالیت می‌کنند، یکی ثروتمند می‌شود در حالی که دیگری ورشکست شده است. نتیجه‌ی ثروت‌اندوزی، نتیجه‌ی انجام کارها به شیوه‌ای خاص است.

منظور از شیوه‌ای خاص این است که به تمام مواردی که در این کتاب گفته شده عمل شود. یعنی با تغییر کلی عقاید و باورها در مورد ثروت و اقدام به موقع می‌توان ثروتمند شد. برای درک بهتر شیوه‌ای خاص، کتاب را یک بار مطالعه کرده و فصل آخر را بارها و بارها بخوانید تا تبدیل به باورها و اعتقادات شما شود.

در آن صورت ثروت و فراوانی از آن‌جایی که فکرش را نمی‌کنید وارد زندگی‌تان می‌شود. علاوه بر این، توانایی انجام کارها به شیوه‌ای خاص صرفاً نیازمند داشتن استعدادی خاص نیست. بسیاری از افراد مستعد، فقیر هستند. در حالی که افراد کم استعداد زیادی ثروتمند می‌شوند.

با بررسی زندگی افراد ثروتمند در می‌یابید که آن‌ها از هر لحاظ انسان‌های متوسط و میانه‌رویی بوده‌اند و در مقایسه با دیگر افراد، مستعدتر و تواناتر نبوده‌اند. روشن است که علت ثروت‌اندوزی این افراد، داشتن استعدادها و توانایی‌های متفاوت از سایر مردم نبوده

است، بلکه علت این بوده است که این افراد کارها را به شیوه‌ای خاص انجام داده‌اند. با پس‌انداز کردن و خساست به خرج دادن ثروتمند نخواهید شد. بسیاری از افراد خسیس فقیر هستند، در حالی که ولخرج‌ها اغلب ثروتمند می‌شوند.

انجام کارهای خارق‌العاده و کارهایی که دیگران از انجام آن عاجزند شما را ثروتمند نخواهد کرد. زیرا دو نفری که به یک تجارت مشغول‌اند اغلب کارهای مشابهی را انجام می‌دهند. با این وجود، یکی ثروتمند و دیگری ورشکسته و فقیر می‌شود. با در نظر گرفتن تمامی موارد فوق به این نتیجه می‌رسیم که ثروت‌اندوزی نتیجه‌ی انجام کارها به شیوه‌ای خاص است. اگر با انجام کارها به شیوه‌ای خاص می‌توان ثروتمند شد و اگر علل یکسان نتایج یکسانی به بار می‌آورد، پس هر مرد و زنی که بتواند کارهای خود را به شیوه‌ای خاص انجام دهد، می‌تواند ثروتمند شود.

این تعریف نشان می‌دهد که علم دقیقی وجود دارد. مسئله‌ای که در این‌جا مطرح می‌شود این است که شاید این شیوه‌ی خاص آن‌قدر مشکل باشد که تنها تعداد اندکی از مردم بتوانند از آن استفاده کنند. این مطلب صحت ندارد، زیرا همان‌طور که دیدیم و تا آن‌جایی که به توانایی‌های طبیعی انسان مربوط می‌شود، همان‌قدر که افراد با استعداد ثروتمند می‌شوند، به همان اندازه نیز افراد کندذهن ثروتمند شده و نوابغ و انسان‌های بسیار باهوش هم ثروتمند می‌شوند.

البته برای ثروتمند شدن سطوحی از توانایی فکری و شناخت لازم است. اما تا آن‌جایی که به توانایی‌های طبیعی انسان مربوط می‌شود، هر مرد یا هر زنی که توانایی مطالعه و فهم این کتاب را داشته باشد، به طور قطع ثروتمند خواهد شد.

می‌دانیم که ثروت‌اندوزی هیچ رابطه‌ای با محیط پیرامون ندارد. با این حال موقعیت مکانی در برخی موارد مهم است. هیچ‌کس نمی‌تواند به اعماق صحرا برود و انتظار داشته باشد تجارت موفق را راه‌اندازی کند. ثروت‌اندوزی در معامله با مردم و حضور در مکان‌هایی که انسان‌ها زندگی می‌کنند، امکان‌پذیرتر است و خیلی بهتر است که بافت جمعیتی به گونه‌ای باشد که در معامله، موفقیت بیش‌تری انتظار برود.

اگر در شهر شما ثروتمندی وجود دارد یا در استان شما ثروتمندی زندگی می‌کند، شما هم می‌توانید ثروتمند شوید. تکرار می‌کنم که ثروت‌اندوزی مسئله‌ی انتخاب تجارت و یا حرفه‌ای خاص نیست. افراد در هر تجارت و یا هر حرفه‌ای می‌توانند ثروتمند شوند. درحالی‌که ممکن است همسایگان کناری آن‌ها در همان حرفه و شغل فقیر و بی‌چیز باقی بمانند.

واقعیت این است که شما در تجارت مورد علاقه‌ی خود و کاری که با خصوصیات ذاتی‌تان هماهنگ‌تر باشد، بهتر عمل می‌کنید. در صورتی‌که استعداد خاصی دارید که به درستی شکوفا شده است، در تجارتي که به آن استعداد نیاز دارد موفق‌تر خواهید بود.

هم‌چنین در تجارتي که در محل سکونت شما مناسب‌تر باشد بهتر نتیجه خواهید گرفت. مثلاً یک مغازه‌ی بستنی‌فروشی در آب و هوای گرم بهتر نتیجه می‌دهد تا این‌که در مناطق سردسیر شما را ثروتمندتر کند. اما علی‌رغم این محدودیت‌های کلی، ثروت‌اندوزی مختص به انجام تجارتي خاص نیست. بلکه بستگی تام به فراگیری و انجام کارها به شیوه‌ای خاص دارد.

اگر هم اکنون به تجارتي مشغول هستيد و فردي در محل شما از اين تجارت ثروتمند شده است و شما نتوانسته‌ايد ثروتمند شويد، علت اين است که شما کارها را به آن شيوه‌ی خاصی که آن فرد انجام می‌دهد، انجام نداده‌ايد.

فقر شما اهميتی ندارد. اگر شروع کنید به انجام کارها به شيوه‌ی خاص، فرآيند ثروت‌اندوزی آغاز خواهد شد و سرمايه‌دار می‌شوید. سرمايه‌دار شدن بخشی از فرآيند ثروت‌اندوزی است که خود بخشی از آن نتیجه‌ای است که به طور قطع در پی انجام کارها به شيوه‌ی خاص به دست می‌آيد.

ممکن است فقيرترين فرد ساکن در یک قاره باشید و شدیداً مقروض باشید. شاید هيچ دوست، نفوذ و يا منبعی در اختيار نداشته باشید. اما به محض آغاز به انجام کارها به شيوه‌ی خاص به طور قطع فرآيند ثروت‌اندوزی آغاز خواهد شد. چرا که علل يکسان نتايج يکسانی به بار می‌آورند.

در صورت نداشتن سرمايه می‌توانيد سرمايه‌دار شويد. اگر تجارت کنونی شما نامناسب است، می‌توانيد تجارت مناسبی را آغاز کنید. اگر در موقعیت مکانی نامناسبی هستید، به مکان مناسبی نقل مکان کنید و يا اين که انجام کارها را به شيوه‌ی خاص در همان تجارت فعلی و موقعیت جغرافیایی کنونی خود آغاز کنید و به موفقیت برسيد.



آیا فرصت‌ها انحصاری هستند؟

هیچ کس به دلیل فرصت‌هایی که از او گرفته شده است و یا این که دیگران ثروت را در انحصار خود در آورده و دور آن دیواری کشیده‌اند، در فقر به سر نمی‌برد. ممکن است از فعالیت در تجارتي خاص منع شده باشید، اما همیشه راه‌های دیگری نیز وجود دارد. افرادی که در جهت جریان رود حرکت کنند در مقایسه با آن‌هایی که بر خلاف جریان حرکت می‌کنند فرصت‌های بیش‌تری را در اختیار خواهند داشت.

کارگران کارخانه به عنوان تک تک افراد جامعه و یا طبقه‌ی اجتماعی از این فرصت محروم نشده‌اند. رؤسای این کارگران آن‌ها را محدود نکرده‌اند. صنایع و سرمایه آن‌ها را محدود نکرده است. کارگران به عنوان یک طبقه‌ی اجتماعی در همان جایگاهی قرار گرفته‌اند که باید باشند، زیرا کارها را به شیوه‌ای خاص انجام نمی‌دهند. طبقه‌ی کارگر زمانی که انجام کارها را به شیوه‌ای خاص شروع کنند، به طبقه‌ی ارباب تبدیل خواهند شد و قانون ثروت برای آن‌ها همانند دیگران عمل خواهد کرد.

این کاری است که طبقه‌ی کارگر باید در جایگاه کنونی خود یاد گرفته و به کار ببندد و تا زمانی که به انجام این کار ادامه دهد ثروتمند خواهد شد. جهل و سستی کارگر او را محدود نکرده است. او می‌تواند جریان فرصت موجود را تا ثروتمند شدن دنبال کند و این کتاب چگونگی انجام این کار را به او می‌آموزد.

هیچ کس به دلیل کمبود منابع ثروت فقیر نمی‌ماند. بیش از نیاز همه، منابع ثروت وجود دارد. منابع آشکار پایان ناپذیرند. منابع پنهان نیز نامحدود و پایان ناپذیرند. تمامی آن‌چه بر روی زمین وجود دارد، از یک جوهره اصیل ساخته شده است که تمامی اشیاء از آن شکل گرفته‌اند. پیوسته قالب‌های جدیدی شکل می‌گیرد و قدیمی‌ترها از بین می‌روند. اما همگی این قالب‌ها از یک ماهیت واحد به وجود آمده‌اند. در ماهیت بی‌شکل و جوهره اصیل هیچ محدودیتی وجود ندارد.

اما با وجود این که کائنات از آن شکل گرفته است، از تمامی قابلیت‌های آن در به وجود آوردن کائنات استفاده نشده است. فضاهای موجود در کائنات و فضاهای پیرامون قالب‌های آشکار شده‌ی آن، همگی از جوهره اصیل پر شده است. تمامی جهان مادی و اشیاء موجود در آن با استفاده از این جوهره اصیل در کائنات شکل می‌گیرند.

ده هزار برابر هر آن‌چه تاکنون به وجود آمده است، امکان به وجود آمدن هست و حتی پس از آن هم ما هنوز منابع مواد خام کائنات را به پایان نبرده‌ایم. هیچ کس به علت فقر و کمبود در طبیعت در فقر نمانده است. علت فقر کمبود منابع نیست. طبیعت انباری سرشار از ثروت است و از منابع موجود در آن هیچ‌گاه کاسته نخواهد شد. جوهره اصیل را یک انرژی خلاق زنده نگه داشته است که پیوسته در حال تولید قالب‌های جدید است.

منابع تولیدکننده‌ی مصالح ساختمانی پایان ناپذیرند و منابع بیش‌تری تولید خواهد شد. هنگامی که منابع خاک به گونه‌ای پایان‌پذیر که امکان رشد و پرورش منابع غذایی و مواد اولیه پوشاک وجود نداشته باشد، خاک تجدید شده و منابع جدیدی تولید خواهد شد.

ماهیت بی‌شکل نیازهای آدمی را برآورده می‌کند و اجازه نمی‌دهد انسان از اشیاء مورد نیاز خود محروم بماند. این مطلب درباره‌ی تمامی نژادهای بشری صادق است و ثروت در خدمت همه‌ی انسان‌ها است. علت فقر بسیاری از افراد این است که از شیوه‌ای خاص برای ثروت‌اندوزی استفاده نمی‌کنند. جوهره بی‌شکل هوشمند است، می‌اندیشد، زنده است و به حیات بیش‌تر کشش دارد. میل طبیعی و ذاتی هر موجود زنده‌ای رسیدن به حیات طولانی‌تر است. نبض تپنده و ذاتی حیات در هر موجودی در طلب حیات بیش‌تر است. ماهیت هوشمندی در این میل قرار دارد که آگاه است و در طلب رشد و گسترش است.

جوهره حیات بی‌شکل قالب‌های کائنات را شکل داده و در طلب تجلی کامل خود در این قالب‌هاست. کائنات یک موجود زنده متعالی است که ذاتاً در جهت حیات بیش‌تر و عملکرد کامل‌تر حرکت می‌کند. طبیعت در جهت رشد و حیات قرار دارد و انگیزه‌ی آن افزایش حیات است. بنابراین هر آنچه که امکان حیات و رشد داشته باشد، به طور کامل در طلب رشد و حیات است. در پیشگاه خداوند هیچ کمبودی وجود نخواهد داشت. زیرا کمبود در تضاد با ذات نامتناهی خداوند است. فقر شما به علت کمبود منابع ثروت نیست. این مطلب را در ادامه‌ی کتاب به خوبی ثابت خواهیم کرد، حتی منابع موجود در جوهره بی‌شکل تحت اراده‌ی کسانی قرار دارد که به شیوه‌ای خاص عمل می‌کنند.



اولین اصل علم ثروت اندوزی

اندیشه تنها نیرویی است که می‌تواند ثروت‌های آشکار را از جوهره بی‌شکل خلق کند. این جوهره که منشاء وجودی همه‌ی اشیاء است، از جوهره‌ای به وجود آمده است که اندیشمند است. اندیشیدن به یک فرم و قالب خاص، آن قالب را در جوهره بی‌شکل به وجود می‌آورد. اندیشه‌ی موجود در جوهره اصیل آن جوهره را به حرکت در می‌آورد. هر قالب و یا فرآیند طبیعی موجود در طبیعت، تجلی آشکار اندیشه‌ای است که در ماهیت بی‌شکل وجود داشته است. به محض اندیشیدن جوهره بی‌شکل به شکل آن قالب در می‌آید.

به محض اندیشیدن به جنبشی، آن جنبش شکل می‌گیرد. همه‌ی اشیاء به این شیوه خلق شده‌اند. ما در جهانی از اندیشه زندگی می‌کنیم که خود بخشی از کائنات اندیشمند است.

اندیشیدن به یک درخت بلوط با رشد کم، درختی را تولید می‌کند که رشد آن قرن‌ها طول می‌کشد. به نظر می‌رسد که جوهره بی‌شکل بر اساس آن مسیر حرکتی که خود خلق کرده است، دست به آفرینش می‌زند. اندیشیدن به یک درخت بلوط منجر به خلق آنی یک درخت کاملاً رشد یافته نمی‌شود. اما نیروهای خلق کننده، آن درخت را در راستای مسیر رشد از پیش تعیین شده‌ای به حرکت در می‌آورند.

اندیشه‌ی هر قالبی که در جوهره اندیشمند وجود داشته باشد، منجر به خلق آن قالب می‌شود. اما این آفرینش عموماً در راستای آن مسیری از رشد که از پیش تعیین شده است، رخ می‌دهد. القاء اندیشه‌ی خانه‌ای با ساختاری خاص بر جوهره بی‌شکل منجر به شکل گیری سریع آن خانه خواهد شد. اما انرژی‌های خلاق فعال تجاری را در مجراهایی به حرکت درمی‌آورد که به ساخته شدن سریع‌تر آن خانه کمک کنند.

اندیشه‌ی هر قالبی که بر جوهره اصیل القاء شود منجر به خلق آن قالب خواهد شد. انسان مرکز اندیشه است و می‌تواند اندیشه کند. هر شیئی پیش از این که در دستان انسان قرار گیرد، باید در اندیشه‌ی او خلق شده باشد. انسان نمی‌تواند پیش از این که به چیزی فکر کند آن را خلق کند.

تا به امروز انسان تمامی تلاش خود را به امور یدی معطوف کرده است. او کارگری را به جهان قالب‌ها تحمیل کرده است و در صد تغییر و تبدیل در قالب‌های موجود بوده است. او هیچ‌گاه این اندیشه را نداشته است که سعی کند قالب‌های جدیدی را با القاء اندیشه‌ی خود به جوهره بی‌شکل خلق کند و بی‌آفریند.

تا این مرحله، انسان تلاش بسیار اندکی در هماهنگی و همکاری با هوش کیهانی از خود نشان داده و شاید اصلاً تلاشی نکرده است. این فرد تلاش اندکی در هماهنگی با اراده‌ی خداوند حاکم بر جهان از خود نشان داده است. او هیچ‌گاه به این نکته فکر نکرده است که می‌تواند همانند خداوند اقدام به خلق و آفرینش کند. انسان با دستکاری قالب‌های موجود، آن‌ها را دوباره شکل می‌دهد و اصلاح می‌کند. او هیچ‌گاه به این مسئله فکر نکرده است که می‌تواند با کمک جوهره بی‌شکل و با انتقال اندیشه‌های خود به آن جوهره، اشیاء را خلق کند.

من می‌توانم ثابت کنم که هر مرد و زنی قابلیت و توانایی انجام این کار را دارد و چگونگی آن را نشان خواهم داد. به عنوان نخستین گام سه فرضیه‌ی اساسی را مطرح می‌کنم. در ابتدا تاکید می‌کنم که یک ماهیت بی‌شکل اصیل و یا جوهره وجود دارد که منشاء پدید آمدن همه‌ی اشیاء است. تمامی عناصر موجود نموده‌های متفاوتی از این عنصر می‌باشند. تمامی قالب‌های موجود در طبیعت عالی و معدنی اشکال گوناگونی از یک ماهیت هستند که خود جوهره اندیشمند است.

انسان یک مرکز اندیشمند است و می‌تواند اندیشه را خلق کند. اگر انسان بتواند با استفاده از اندیشه‌های خود با جوهره اندیشمند ارتباط برقرار کند، می‌تواند منشاء آفرینش باشد و به آن چه که می‌اندیشد شکل دهد. به طور خلاصه می‌توان گفت:

جوهره اندیشمندی وجود دارد که منشاء خلق همه‌ی اشیاء می‌باشد، که در حالت اصیل خود در سرتاسر کائنات پراکنده شده و نفوذ کرده و فضاهای میان اشیاء مختلف را پر کرده است.

القاء تصویر هر اندیشه‌ای بر این جوهره می‌تواند آن اندیشه را در واقعیت خلق کند. انسان می‌تواند اشیاء را در اندیشه‌ی خود تصور کند و با القاء این اندیشه‌ها به جوهره بی‌شکل، آن را بی‌آفریند. ممکن است بپرسید: آیا من می‌توانم بدون وارد شدن به جزئیات از این مسیر استفاده کنم؟ من می‌گویم: بلی، انسان قدرت آن را دارد و می‌تواند که باعث شکل دهی به افکار شود و من با تجربه‌ام این را در یافته‌ام و به این دلیل است که قاطعانه پاسخ می‌دهم.

هر نظریه تا زمانی که نقض شود صحیح است. اما من مطمئن هستم که این نظریه نقض نمی‌شود. و هر کس هر آن چه را که در این کتاب می‌گوید دقیقاً انجام دهد، به ثروت خواهد رسید. همیشه گفته‌ام: انسان‌ها با انجام کارها به شیوه‌ای خاص ثروتمند می‌شوند و برای این که بتوان کارها را به شیوه‌ای خاص انجام داد، در ابتدا باید به شیوه‌ی خاص اندیشید.

جوهره اندیشمندی وجود دارد که منشاء خلق همه‌ی اشیاء می‌باشد که در حالت اصیل خود که در سرتاسر کائنات پراکنده شده و نفوذ کرده و فضاهای میان اشیاء مختلف را پر کرده است. القاء تصویر هر اندیشه‌ای بر این جوهره می‌تواند آن اندیشه را در واقعیت خلق کند و با القاء این اندیشه‌ها به جوهره بی‌شکل آن اندیشه‌ها را بی‌آفریند.

اگر بخواهید کارها به آن شیوه که می‌خواهید به انجام برسد، باید توانایی اندیشیدن به آن شیوه را در خود خلق کنید و این نخستین گام در جهت ثروت اندوزی است. تفکر به خواسته‌هایتان به معنای اندیشیدن به حقیقت راستین است. بدون این که به ظواهر توجه‌ای نشان دهید. هر انسانی به طور ذاتی و طبیعی می‌تواند به خواسته‌ی خود بیاندهد. اما این که افکاری را در ذهن داشته باشید که تحت تاثیر ظواهر امور به ما القاء نشده باشند، مستلزم تلاش فراوان است.

تفکر بر اساس ظواهر بسیار آسان است. اما اندیشیدن به حقایق، بدون توجه به ظواهر طاققت فرساست و مستلزم صرف نیروی فراوانی است. در جهان هیچ کاری سخت‌تر از این نیست که انسان بخواهد افکار همیشگی و مداوم خود را کنترل کند. این موضوع هنگامی که حقیقت با ظاهر در تضاد می‌باشد، درست‌تر به نظر می‌رسد. هر ظاهر موجود در جهان آشکار این کشش را دارد که شکل متناظر خود را در ذهنی که آن را مشاهده می‌کند به وجود آورد. با حفظ اندیشه‌ی حقیقت می‌توان مانع از این رخداد شد.

برای مثال نگرستن به بیماری در ابتدا شکل آن را در ذهن ترسیم می‌کند و سپس در بدن به وجود می‌آید. مگر این که شما اندیشه‌ی حقیقت مبنی بر عدم وجود بیماری را در ذهن خود حفظ کنید. بیماری یک شکل ظاهری است و سلامتی حقیقت محض است.

نگرستن به ظاهر فقر اشکال متناظر با آن را در ذهن انسان به وجود می‌آورد. مگر این که شما به این حقیقت پایدار بمانی که هیچ فقری وجود ندارد و تنها چیزی که هست، فراوانی است.

اندیشیدن به سلامتی، آن هنگامی که در ظاهر بیماری شما را فرا گرفته است، اندیشیدن به ثروت زمانی که در دل ظاهری سرشار از فقر قرار دارید، نیازمند قدرتی است که در صورت کسب این قدرت به یک ذهن برتر تبدیل خواهید شد و می‌توانید سرنوشت را مغلوب خواسته‌ی خود کنید.

این توانایی را می‌توان کسب کرد. می‌توان به این واقعیت اصیل پا برجا ماند که اصل وجودی هر شیئی در ورای ظاهر آن قرار دارد. وجود یک جوهره اندیشمند که مسبب شکل‌گیری همه‌ی اشیاء است، واقعیت دارد. حال باید این واقعیت را بپذیریم که اندیشه‌ای که در این جوهره وجود دارد، تبدیل به قالبی خواهد شد و انسان می‌تواند اندیشه‌های خود را به این جوهره القاء کند و آن‌ها را به قالب‌ها و اشیاء مرئی تبدیل سازد.

با درک این مطلب شک و تردید رخت بر می‌بندد. زیرا که این آگاهی را داریم که می‌توانیم خواسته‌ی خود را خلق کنیم. می‌توانیم به خواسته‌ی خود برسیم و می‌توانیم آن چیزی بشویم که می‌خواهیم. به عنوان نخستین گام در جهت ثروت اندوزی باید سه عبارتی که در این فصل به آن اشاره شده است باور داشته باشیم.

برای تاکید بیشتر، آن سه عبارت را تکرار می‌کنیم.

جوهره اندیشمندی وجود دارد که منشاء خلق همه‌ی اشیاء است که در حالت اصیل خود در سرتاسر کائنات پراکنده شده و نفوذ کرده و فضاهای میان اشیاء مختلف را پر کرده است. القاء تصویر هر اندیشه‌ای بر جوهره می‌تواند آن اندیشه را در واقعیت خلق کند. انسان می‌تواند اشیاء را در اندیشه‌ی خود تصور کند و با القاء این اندیشه به جوهره بی‌شکل، آن اندیشه را بی‌آفریند.

باید تمامی برداشت‌های دیگر موجود از کائنات به جز این برداشت را به کناری گذاشته و بر این عقیده پایدار بمانید، به طوری که ملکه‌ی ذهن شما شود و به اندیشه‌ی روزمره و همیشگی شما بدل شود. این عبارت را بارها و بارها بخوانید. کلمه به کلمه آن را به خاطر بسپارید و بر آن‌ها تمرکز کنید، تا این که به ایمان راسخ برسید. با شک همانند گناهی نابخشودنی برخورد کنید و آن را از خود دور سازید و به مباحثی که در مخالفت با این عقیده مطرح می‌شود گوش ندهید. در مراسم و سخنرانی‌هایی که مفاهیم متضاد با این مفاهیم را آموزش می‌دهند شرکت نکنید. سردرگمی در ایمان و اعتقادات تمامی تلاش‌های شما را بی‌ثمر خواهد کرد. علت درستی مطالب را نپرسید و به چگونگی آن‌ها فکر نکنید. فقط آن‌ها را به عنوان حقیقت محض بپذیرید. فرآیند ثروت اندوزی با یک ایمان مطلق و راسخ آغاز می‌شود.

خلاصی از فکری بی اساس

خود را از رنج ابدی این عقیده خلاص کنید که الهه‌ای وجود دارد که اراده‌ی او باعث شده است شما فقیر بمانید و یا این که با فقیر ماندن به آن الهه خدمت می‌کنید. جوهره هوشمند که در همه چیز و در همه جا زندگی می‌کند، در شما نیز زندگی می‌کند.

هر موجود زنده‌ای همواره در طلب گسترده‌تر کردن حیات خود است. زیرا در عرصه‌ی حیات هر آن چه قابلیت حیات دارد، باید به وجود آید و جوهره باید بتواند آن را به وجود بیاورد. دانه‌ای که روی زمین می‌افتد، فعال می‌شود و در فعالیت حیات بخش خود صدها دانه‌ی دیگر را تولید می‌کند. هر موجود زنده‌ای با حیات، بخش بیش‌تری از استعدادهای خود را به عرصه‌ی ظهور می‌رساند و ابدی می‌شود. هر موجود زنده‌ای که بخواهد ابدی بماند، باید حیات‌بخشی کند.

هوش برتر کیهانی نیز همین ضرورت را حس می‌کند. در هر اندیشه‌ی ما ضرورتی وجود دارد که به دنبال خلق اندیشه‌ی دیگری است. هوشیاری، پیوسته در حال رشد و افزایش است. با فراگیری یک حقیقت به سوی فراگیری حقیقت دیگر سوق داده می‌شود. دانش، پیوسته در حال رشد است. با شکوفایی هر استعداد، استعداد جهت شکوفا شدن به ذهن ما خطور می‌کند.

باید ثروتمند شویم تا بتوانیم زندگی پربارتری داشته باشیم. میل به ثروت صرفاً ظرفیت داشتن یک حیات رو به رشد است که در طلب تجلی یافتن و به ظهور رسیدن است. هر میل تلاش، یک احتمال به ظهور رسیدن است که می‌خواهد متجلی شود. نیرویی در درون شما وجود دارد که در طلب تجلی خود، آن میل را به وجود می‌آورد و آن چه باعث می‌شود شما بخواهید پول بیش‌تری را به دست بیاورید، همان قدرتی است که باعث رشد گیاه می‌شود و همان قدرت حیاتی است که در طلب تجلی کامل‌تر است.

یک جوهره زنده باید در تمامی دوره‌ی حیات خود در معرض این قانون ذاتی حیات بخش قرار بگیرد، تا تحت تاثیر میل به حیات بیش‌تر قرار داشته باشد و در نتیجه، آفرینش اشیاء برای او ضرورت بیابد. یک جوهره میل دارد حیات بیش‌تری را در شما تجربه کند. بنابراین از شما می‌خواهد تمامی آن چه را که می‌توانید در اختیار داشته باشید، به کار بگیرید. خواست خدا بر این است که شما ثروتمند باشید. این را او می‌خواهد که شما ثروتمند باشید. زیرا هنگامی که شما اشیاء فراوان را جهت استفاده در اختیار دارید، بهتر می‌تواند خود را از طریق شما متجلی کند.

با تسلط نامحدود شما بر امکانات موجود، خداوند می‌تواند حیات بیش‌تری را از خود بروز دهد. کائنات می‌خواهند که شما به تمام خواسته‌های خود برسید. همه چیز طبیعتاً از آن شماست.

با این حال، ضرورت دارد هدف شما با آن هدفی که در کل وجود دارد در هماهنگی کامل باشد. در جستجوی حیات واقعی باشید و خود را به ارضاء نیازهای جسمی قانع نکنید. زندگی به فعلیت رسیدن تمامی توانایی‌های بالقوه است و انسان زمانی واقعاً زندگی می‌کند که تمامی بالقوه‌های جسمی، ذهنی و روحی خود را بدون افراط در هر کدام از آن‌ها و آن‌طور که لیاقت دارد، به فعلیت رسانده باشد.

ثروتمند شدن برای این نیست که در جهت ارضاء امیال جسمی خود پرسى گرى کنید. زیرا این زندگى صحیح و کامل نیست. به فعلیت رسیدن هر کدام از نیروهای بالقوهى جسمی، بخشى از حیات است. هر که سعى کند میل به تجلى سالم و طبیعى خواسته‌های جسمی را انکار کند، حیات متکاملی را تجربه نخواهد کرد.

شما نمی‌خواهید صرفاً به خاطر لذت‌های ذهنی کسب علم، ارضاء جاه طلبی و یا شهرت ثروتمند شوید. این‌ها همگی بخش‌های قابل قبولی از زندگى را دربر می‌گیرند. اما فردی که صرفاً به خاطر لذت‌های عقلانی زندگى می‌کند، یک حیات نسبی دارد و هرگز با تمام وجود ارضاء نخواهد شد.

شما صرفاً برای خیر رساندن به دیگران، قربانی کردن خود برای بشریت، تجربه‌ی لذت بشر دوستی و از خود گذشتگی نیست که می‌خواهید ثروتمند شوید. این لذت‌های معنوی تنها بخشى از حیات هستند و شرافتمندان‌تر و یا بهتر از دیگر لذت‌ها نمی‌باشند. شما می‌خواهید ثروتمند شوید تا بتوانید بخورید و بیاشامید و هنگام انجام این کارها شاد باشید، تا خود را در احاطه‌ی اشیاء زیبا قرار دهید. سرزمین‌های دوردست را ببینید. ذهن خود را تغذیه کنید و عقلانیت‌تان را رشد دهید، تا بتوانید انسان‌ها را دوست داشته باشید و کارهای نیکو انجام دهید و بتوانید نقش مناسبی را در کمک به یافتن حقیقت در جهان ایفا کنید.

البته به خاطر داشته باشید که نوع دوستی افراطی به اندازه‌ی خودپسندی افراطی غیرقابل قبول است و هر دو اشتباه هستند. خود را از این عقیده که خواست خدا بر این بوده است که خود را فدای دیگران کنید و با این کار لطف او را شامل حال خود سازید، رها کنید. خداوند هرگز چنین چیزی نخواسته است. خواست خدا این است که تلاش خود را برای کمک به خود و دیگران انجام دهید. با این کار می‌توانید بهتر از هر راه دیگری به دیگران کمک کنید. صرفاً با ثروتمند شدن می‌توانید تمام تلاش خود را برای کمک به دیگران انجام دهید و این سنجیده است که بهترین و اولین اندیشه‌ی شما در خدمت کسب ثروت باشد.

جوهره هوشمند، اشیاء را برای شما به وجود می‌آورد. اما به این صورت عمل نمی‌کند که اشیاء را از دیگران گرفته و به شما بدهد. باید خود را از شر اندیشه‌ی رقابتی خلاص کنید. شما باید در حال آفرینش باشید و برای به دست آوردن آن‌چه از قبل خلق شده است رقابت نکنید. نیازی نیست چیزی را از کسی بگیرید. نیازی نیست در تجارت‌های سنگین و پیچیده مشغول به کار شوید. لازم نیست تقلب کنید، یا از دیگران سوء استفاده کنید. و نیازی نیست به افرادی که در استخدام شما هستند کم‌تر از حق‌شان بدهید. نیازی نیست در حسرت دارایی‌های دیگران باشید و با چشمان حسرت بار به آن‌ها نگاه کنید.

هیچ فردی آن قدر ثروتمند نیست که شما نتوانید به اندازه‌ی او ثروت کسب کنید و می‌توان بدون محروم کردن افراد از دارایی‌شان، همه چیز را در اختیار داشت. شما یک خالق هستید، نه یک مبارز! شما می‌توانید هر آن‌چه را می‌خواهید به دست بیاورید. من شاهدم که بسیاری از افراد از روش‌های صحیح که گفته شد، ثروتمند شده‌اند و جهانی گسترده را به دنیا اضافه کردند. افرادی که خیلی ثروتمند هستند، گاهی تمام توان خود را برای نقشه کشیدن و رقابت به کار می‌گیرند و به طور ناخودآگاه باعث می‌شوند که مسیر ماده‌ی متفکر را برای خود متوقف سازند. اما برخی به مسیر حرکت ماده‌ی متفکر در راه‌اش و حرکت بزرگ‌اش برای عموم مردم خدمت می‌کنند. آن‌ها با ساختن صنایع مختلف این کار را انجام می‌دهند.

مولتی میلیونها مانند هیولاهای ماقبل تاریخ هستند. آن‌ها کار اساسی را از یک پروسه‌ی مهارتی انجام می‌دهند، اما بسیاری از آن‌ها ثروتمند واقعی نیستند. یک گزارش از زندگی خصوصی برخی از آن‌ها نشان می‌دهد که مشکلات و معضلات بسی بیش از مردم فقیر را دارند. ثروتمندانی که برنامه‌ی رقابتی را پایه‌ریزی می‌کنند، هرگز پایدار و ابدی نخواهند بود. این نوع ثروت، امروز مال شماست و فردا مال دیگری است.

به خاطر داشته باشید اگر بخواهید با یک روش علمی و حقیقی ثروتمند شوید، باید خود را از ایده‌های رقابتی دور کنید.

شما هرگز نباید فکر کنید که محدودیتی وجود دارد. هرگز نباید به لحظه‌ای فکر کنید که منابع محدود باشند. به محض آغاز این تفکر که پول در اختیار و تحت کنترل صاحبان بانک‌ها است، شما مجبور هستید قوانینی را تصویب کنید که جلوی این فرآیند را بگیرد. دقیقاً در آن لحظه قدرت خلاقیت شما از بین می‌رود و بدتر از آن این است که ممکن است حرکت‌های خلاقیتی را که به تازگی شروع کرده‌اید، متوقف سازید.

بدانید پولی که می‌خواهید از راه می‌رسد. حتی اگر لازم باشد هزاران نفر فردا برای کشف یک معدن طلای جدید اعزام شوند. هیچ‌گاه صرفاً به منابع آشکار چشم ندوزید و همواره ثروت‌های نامحدود در جوهره اندیشمند را در نظر داشته باشید. و بدانید آن‌ها با همان سرعتی که شما می‌توانید آن‌ها را دریافت کنید و به کار ببندید، به سوی شما سرازیر خواهند شد.

هیچ‌کس با نظر به منابع آشکار نمی‌تواند شما را از حق‌تان محروم سازد. حتی یک لحظه به خودتان اجازه ندهید. به این نکته فکر کنید که اگر عجله نکنید، تمامی زمین‌های مناسب ساخت و ساز قبل از این که خانه‌ای بسازید، توسط دیگران اشغال می‌شود. هرگز نگران کارخانجات و شرکت‌ها نباشید. و به خاطر ترس از این که آن‌ها به زودی تمامی ثروت زمین را از آن خود سازند، دل نگران نشوید. هرگز نترسید که به خواسته‌ی خود نمی‌رسید و یا آن‌ها از دست می‌دهید، چون فرد دیگری از پشت به شما خنجر خواهد زد و آن‌ها از آن خود خواهد کرد. این اتفاق هرگز رخ نخواهد داد. در جستجوی کسب دارایی دیگران نباشید. منابع در جهان هستی نامحدود هستند و شما با کمک جوهره، خواسته‌ی خود را خلق خواهید کرد.

به عبارت زیر پایبند بمانید:

جوهره اندیشمندی وجود دارد که منشأ خلق همه‌ی اشیاء می‌باشد که در حالت اصیل خود در سرتاسر کائنات پراکنده شده و نفوذ کرده است و فضاهای میان اشیاء مختلف را پر کرده است. القاء تصویر هر اندیشه‌ای برای جوهره می‌تواند آن اندیشه را در واقعیت خلق کند. انسان می‌تواند اشیاء را در اندیشه‌ی خود تصور کند و با القاء این اندیشه به جوهره بی‌شکل، آن اندیشه‌ها را بی‌آفریند.

ثروت اینگونه به شما روی می آورد

وقتی می‌گویم نیازی نیست که شما در تجارت‌های سنگین و پیچیده وارد شوید، در واقع منظورم این نیست که اصلاً نباید تجارت سنگینی را آغاز کنید و یا این‌که هیچ ضرورتی ندارد که افراد جامعه داد و ستد تجاری داشته باشند. منظورم این است که نیازی به داد و ستد غیر عادلانه ندارید. نباید در ازای هیچ، چیزی دریافت کنید. بلکه باید به هر انسان بیش از آن‌چه از او دریافت می‌کنید، پرداخت کنید.

ارزش مالی کاغذ، جوهر و مواد اولیه‌ی به کار رفته در این کتاب شاید کم‌تر از آن بهایی باشد که برای آن می‌پردازید. با این حال، اگر با استفاده از ایده‌های پیشنهادی در این کتاب بتوانید ثروت را وارد زندگی خود کنید، فروشندگان این کتاب سر شما کلاهی نگذاشته‌اند. آن‌ها در مقابل ارزش مالی اندکی، ارزش مالی و معنوی بسیار بزرگ‌تری را به شما هدیه داده‌اند.

هنگامی که از یک چهارچوب رقابتی وارد یک چهارچوب خلاق می‌شوید، می‌توانید معاملات تجاری خود را با دقت، انتخاب و انجام دهید. اگر کالایی را می‌فروشید که غنای بیش‌تری به زندگی خریداران نمی‌بخشد، فوراً این کار را متوقف کنید. هرگز در معامله سر کسی کلاه نگذارید و اگر در تجارت کنونی خود این کار را انجام می‌دهید، فوراً آن را متوقف سازید.

به هر کسی چیزی بیش‌تر و به درد بخورتر در ازای آن‌چه به شما پرداخت می‌کند، بدهید. آن‌گاه شما به زندگی و حیات در جهان با تجارت مفید خود چیزی اضافه می‌کنید. اگر افرادی هستند که برای شما کار می‌کنند و می‌خواهید سود بیش‌تری از آن‌چه به آن‌ها می‌پردازید عاید شما شود، باید تجارت خود را به شیوه‌ای طراحی کنید که اساس تکاملی داشته باشد. بنابراین هر کارمندی علاقه مند است هر روز کمی بیش‌تر و بهتر برای شما کار کنند.

تجارت شما می‌تواند طوری برای کارمندان‌تان عمل کند که این کتاب برای شما عمل کرده است. تجارت شما می‌تواند نردبانی باشد که هر کارمندی می‌تواند با تلاش خود از آن برای ثروتمندتر شدن استفاده کند و امکانات آن طوری باشد که اگر کسی تلاش کافی نکند، چیزی بیش‌تر را دریافت نکند. و آن دیگر تقصیر شما نیست و در انتها شما ثروتمند خواهید شد. زیرا از روش خلاق برای ثروت خود استفاده کرده‌اید و از ماده‌ی بی‌شکلی که تمام محیط اطراف شما را احاطه کرده است، بهره برده‌اید.

اما به این شکل نیست که از اتمسفر وجود چیزی یک دفعه شکل بپذیرد و جلو چشمان شما ظاهر شود. مثلاً اگر یک چرخ خیاطی لازم دارید، منظور من این نیست که شما باید اندیشه‌ی آن چرخ خیاطی را به جوهره اندیشمند القاء کنید و انتظار داشته باشید چرخ خیاطی بدون دخالت در آن اتاقی که نشست‌اید و یا در هر جای دیگر پدیدار شود. اگر چرخ خیاطی می‌خواهید، تصویر ذهنی مثبتی از آن را با ایمان راسخ حفظ کنید. با ایمان به این‌که چرخ خیاطی در حال به وجود آمدن است و یا در مسیر رسیدن به شماست، پس از شکل‌گیری اندیشه، ایمان راسخ و پایداری خود را مبنی بر این‌که چرخ خیاطی در حال رسیدن به شماست، حفظ کنید. افکار و سخنان شما درباره‌ی چرخ خیاطی باید به گونه‌ای باشند که از رسیدن به آن کاملاً مطمئن باشید و ادعای مالکیت آن را داشته باشید.

قدرتِ هوشِ برترِ کیهانی خواسته‌ی شما را به دست شما می‌رساند. برای انجام این کار بر ذهن انسان‌ها عمل خواهد کرد. لحظه‌ای فراموش نکنید که جوهره اندیشمند در همه جا و در همه‌ی اشیاء وجود دارد و با همه‌ی اشیاء ارتباط برقرار می‌کند و می‌تواند بر همه‌ی اشیاء تاثیر بگذارد. گرایش جوهره اندیشمند در جهت حیات غنی‌تر و زندگی بهتر منجر به خلق تمامی چرخ خیاطی‌ها شده است و می‌تواند سبب خلق میلیون‌ها چرخ خیاطی دیگر نیز بشود. و این اتفاق هنگامی رخ می‌دهد که انسان با ایمان و انگیزه، حرکت در مسیر صحیح را آغاز کرده و به شیوه‌ای خاص عمل کند.

به طور قطع شما می‌توانید یک چرخ خیاطی یا هر شی دیگری که مایلید داشته باشید و از آن‌ها در جهت رشد و بهتر شدن زندگی خود و دیگران استفاده کنید. شما نباید در درخواستِ فراوانی، تامل و تردید داشته باشید. پیامبر خدا می‌فرماید: خوشنودی پدر شما این است که پادشاهی را به شما اعطا کند.

جوهره اندیشمند خواهان حیات بخشی به هر شیئی است که امکان حیات دارد و می‌خواهد که خواسته‌های شما را در راستای حیاتی غنی‌تر و پربرتر برآورده سازد. اگر در ناخودآگاه خود بر این عقیده پایدار بمانید که گرایش شما در ثروت اندوزی یکی از خواسته‌های خداوند یکتا است که در طلب تجلی کامل خویش است، ایمان شما شکست ناپذیر خواهد شد.

خداوند یا همان جوهره یکتا، سعی می‌کند از طریق انسان حیات یابد، کارها را به انجام رساند و از اشیاء لذت ببرد. خداوند می‌فرماید: دستانی می‌خواهم که بناهای شگفت انگیز را بنا کنند، نواهای هماهنگ آسمانی را بنوازند و تصاویر باشکوه ترسیم کنند. پاهائی می‌خواهم که او امر مرا اجرا کند. چشمانی که زیبایی مرا ببینند. زبان‌هایی که حقایق محکم را بیان کنند و نغمه‌های دلنواز را بسرایند.

هر آن چه امکان وجود از طریق انسان را داشته باشد، در طلب متجلی شدن است. خواست خدا بر این است که آن‌هایی که توانایی نواختن موسیقی را دارند، پیانو و دیگر آلات موسیقی را در اختیار داشته باشند و امکانات شکوفایی پر بار استعدادهای خود را در دست بگیرند. او می‌خواهد آن‌هایی که زیبایی را درک می‌کنند، با اشیاء زیبا احاطه شده باشند. او می‌خواهد جویندگان حقیقت فرصت سفر و مشاهده داشته باشند. او می‌خواهد آن‌هایی که زیبایی لباس را درک می‌کنند، خوب و زیبا لباس بپوشند و آن‌هایی که قدر غذای خوب را می‌دانند، شاهانه غذا بخورند.

گرایش به ثروت در وجود شما گرایش نامحدودی است که در طلب تجلی یافتن است. بنابراین در درخواستِ فراوانی و نعمت تامل و تردید نکنید. نقش شما این است که امیال خود را به زبان آورده و به خداوند عرضه کنید. درک این مطلب برای بسیاری از افراد دشوار است. آن‌ها این عقیده‌ی منسوخ را که خوشنودی خداوند در فقر و قربانی شدن انسان‌هاست، همچنان در دل خود حفظ کرده‌اند. آن‌ها فقر را جزئی از طرح ضروری حیات و طبیعت می‌دانند و خیال می‌کنند که خداوند وظیفه‌ی خود را به اتمام رسانیده است و تمامی هر آن چه را که می‌توانسته خلق کرده است. و این که اغلب انسان‌ها به علت عدم وجود امکانات کافی محکوم به زندگی در فقر می‌باشند، سرنوشت آن‌هاست. این افراد آن قدر در این اندیشه‌ی خطا غرق شده‌اند که از درخواست ثروت احساس شرمساری می‌کنند.

شکرگزاری، گامی اساسی

نخستین گام در جهت ثروت اندوزی این است که خواسته‌های خود را به جوهره بی‌شکل عرضه کنید. در این جا دستورالعمل‌هایی به شما داده خواهد شد که در صورت پیروی صحیح از آن‌ها به هماهنگی و وحدت کامل ذهنی با خداوند خواهید رسید. تمامی این فرآیند اصلاح و هماهنگ‌سازی ذهنی را می‌توان در یک کلمه خلاصه کرد: «شکرگزاری».

تا این جا بر این باور رسیده‌اید که همه‌ی اشیاء از یک جوهره هوشمند خلق می‌شوند و اطمینان دارید که این جوهره تمامی خواسته‌های شما را در اختیارتان قرار خواهد داد. پس با احساسی عمیق و درونی از طریق شکرگزاری با آن جوهره ارتباط برقرار کنید.

بسیاری از مردم با این که تمامی کارهای خود را به درستی انجام می‌دهند، فقیر باقی می‌مانند. فقر بسیاری از آن‌ها به علت کمبود حس شکرگزاری است. زیرا که در مسیر حیات راه دیگری را دنبال می‌کنند. آن‌ها پس از دریافت هر هدیه از خداوند خالق با عدم شکرگزاری، آن سیم ارتباطی را که واسطه‌ی ارتباط آن‌ها با خداوند است، قطع می‌کنند.

آن روحی که همواره سپاس‌گزار و شاکر است، در جوار لطف الهی قرار دارد. روح ناسپاس به درگاه الهی راهی ندارد. آن هنگام که اتفاقات خوبی برایمان رخ می‌دهد، اگر با سپاس‌گزاری بیش‌تر ذهن خود را به هوش برتر کیهانی متمرکز کنیم، خوبی‌های بیش‌تری را دریافت خواهیم کرد و خوبی‌ها با سرعت بیش‌تری به سوی ما روان خواهند شد.

علت آن این است که نگرش ذهنی شکرگزارانه، ذهن را در جوار آن منبعی قرار می‌دهد که منشاء تمامی برکات است. شاید این عقیده که با شکرگزاری، تمام ذهن شما در هماهنگی بیش‌تر با انرژی کائنات قرار می‌گیرد، برای‌تان جدید به نظر بیاید. اما اگر با دقت به آن بنگرید، خواهید دید که این عقیده کاملاً صحیح است. خوبی‌هایی که در زندگی به شما روی می‌آورند در راستای اطاعت و فرمانبرداری از قوانین خاصی به شما رسیده‌اند که شما را در هماهنگی نزدیک با اندیشه‌ی خلاق قرار می‌دهد و از افتادن در اندیشه‌ی رقابتی حفظ می‌کند.

شکرگزاری به خودی خود شما را به جلو می‌کشانند و از افتادن در این اشتباه که منابع محدود می‌باشند، دور می‌کند. سقوط در ورطه‌ی این اشتباه سمی برای آرزوهای شماست. قانونی به نام قانون شکرگزاری وجود دارد و اگر در طلب رسیدن به نتایج دلخواه خود هستید، ضرورت دارد این قانون را کاملاً درک کنید. قانون شکرگزاری یک اصل طبیعی و بر مبنای قانون عمل و عکس‌العمل است. هر عملی را عکس‌العملی است مساوی با آن، اما در جهت عکس آن.

اگر شما با قدرت و پیوسته از منبع آفرینش تشکر کنید، عکس‌العمل جوهره بی‌شکل نیز قدرتمند و پیوسته خواهد بود و در جهت برآورده شدن خواسته‌ی شما قرار می‌گیرد. به نگرش شاکرانه‌ی پیامبر خدا توجه داشته باشید. به نظر می‌رسد که پیامبر خدا همواره این عبارت را تکرار کرده است که: «خداوند! تو را شکر می‌کنم که مرا شنیدی». بدون شکرگزاری نمی‌توانید قدرت بیش‌تری را به کار بگیرید، زیرا این شکرگزاری است که شما را به منبع قدرت نزدیک می‌کند.

شکرگزاری صرفاً در جهت آوردن فراوانی به زندگی شما نیست، بلکه بدون سپاس‌گزاری، اندیشه‌های ناراحت‌کننده‌ای درباره‌ی آن چیزهایی که در اختیار دارید، در ذهن‌تان شکل خواهد گرفت و آن‌ها را نیز از دست خواهید داد. آن لحظه‌ای که اجازه دهید ذهن شما بر نارضایتی از شرایط کنونی متمرکز گردد، فرآیند از دست دادن آغاز می‌شود.

هنگامی که توجه خود را بر مسائل عمومی و روزمره‌ی فقر، بدذاتی و بدبینی متمرکز کنید، ذهن شما این قالب‌ها را به خود گرفته و شما این قالب‌ها و یا تصاویر ذهنی را به جوهره بی‌شکل منتقل خواهید کرد. در صورتی که اجازه دهید ذهن شما بر مسائل کم‌ارزش تمرکز کند، خودتان کم‌ارزش خواهید شد و امور کم‌ارزش شما را احاطه خواهد کرد.

به کلام دیگر، با تمرکز به بهترین‌ها، بهترین‌ها شما را در برمی‌گیرد و شما بهترین می‌شوید. ذهن شکرگزار همواره بر بهترین‌ها متمرکز می‌شود. بنابراین تمایل دارد که بهترین شود. قالب یا شخصیتی را به خود می‌گیرد که بهترین است و در نتیجه بهترین را دریافت می‌کند.

ایمان زائیده‌ی شکرگزاری است. ذهن شاکر همواره انتظار خوبی را می‌کشد و این انتظار به ایمان تبدیل می‌شود. جهان در عکس‌العمل نسبت به شکرگزاری ذهنی، ایمان را به وجود می‌آورد و با انتشار هر موج شکرگزارانه‌ی دیگر ایمان بیش‌تر می‌شود. فردی که فاقد هرگونه احساس شکرگزاری است، نمی‌تواند به مدت طولانی ایمان فعال را در درون خود حفظ کند. برای این که بتوان با استفاده از روشی خلاق ثروتمند شد، باید ایمانی فعال داشت که جزئیات آن در فصول بعد خواهد آمد.

لازم است این عادت را در خود به وجود آوریم که در ازای هر نعمتی شکرگزار باشیم و این شکرگزاری پیوسته و همیشگی باشد. از آنجایی که همه‌ی اشیاء در خدمت رشد انسان قرار دارند، باید در ازای داشتن هر چیزی هر چند کوچک و ناچیز، شاکر و سپاس‌گزار باشیم.

تفکر به شیوه ای خاص

تصویر ذهنی شما از خواسته‌هایتان باید مشخص و دقیق باشد. بدون شکل دادن دقیق یک اندیشه در ذهن، نمی‌توان آن اندیشه را منتقل کرد. در صورتی که بخواهید یک تصویر را به کائنات منتقل کنید، باید آن تصویر را در ذهن خود خلق کرده باشید. بسیاری از افراد نمی‌توانند خواسته‌های خود را به جوهره اندیشمند القاء کنند. زیرا تصویری مبهم و نامفهوم از خواسته‌ی خود و کارهایی که می‌خواهند انجام دهند و یا آن چیزی که می‌خواهند بشوند، دارند.

گرایش کلی به ثروتمند شدن برای به انجام رساندن کارهای خوب کافی نیست. همه این گرایش را دارند. آرزوی سفر رفتن، دیدن اشیاء مختلف و عمر طولانی‌تر و غیره کافی نیست. همه‌ی مردم این تمایلات را دارند. اگر بخواهید پیامی را از طریق تلگراف به دوستی ارسال کنید، حروف الفبا را به ترتیب نمی‌فرستید و از او نمی‌خواهید تا پیام را خودش بخواند، یا این‌که به طور تصادفی لغات را از فرهنگ لغت خارج نمی‌کنید و برای وی ارسال نمی‌دارید. شما جمله‌ای معنادار و منسجم را برای وی می‌فرستید. هنگامی که می‌خواهید افکار خود را به جوهره اندیشمند القاء کنید، در نظر داشته باشید که باید از جملات منسجم استفاده کنید. باید خواسته‌ی خود را بدانید و دقیق باشید.

شما با فرستادن تمایلات شکل نگرفته و خواسته‌های مبهم هیچ‌گاه ثروتمند نخواهید شد و قدرت خلاق را به حرکت وا نخواهید داشت. خواسته‌هایتان را مشخص کنید. فقط آن چیزی را ببینید که خواهان آن هستید. خواسته‌تان همواره جلوی چشمان شما قرار داشته باشد. تصویر ذهنی روشنی از خواسته‌تان را به وجود بیاورید.

پیوسته این تصویر را در ذهن خود حفظ کنید. مانند ملوانی که به هنگام هدایت کشتی تصویر لنگرها را در ذهن خود حفظ می‌کند، شما نیز باید آن تصویر را ببینید و لحظه‌ای تمرکز خود را از دست ندهید. همان‌طور که سکاندار کشتی لحظه‌ای تمرکز خود را از سکان و قطب نما به چیز دیگری معطوف نمی‌سازد. ضرورتی ندارد که این تمرین تمرکز در زمان خاصی انجام شود. نیازی به روزه‌ی سکوت نیست. لازم نیست شعبده بازی کنید. تمام آن چه شما به آن نیاز دارید این است که خواسته‌های خود را آن قدر قدرتمند و با تمام وجود بخواهید که تصویر آن همواره در ذهن شما باشد.

تا جایی که می‌توانید از اوقات فراغت خود در جهت یادآوری تصویر ذهنی استفاده کنید. زمان و تلاش زیادی برای تمرکز به آن خواسته‌ای که واقعی باشد لازم نیست. هنگام تمرکز به تصویر، نگران زمان و اندازه‌ی تلاش خود نباشید. هنگامی که واقعاً بخواهید ثروتمند شوید، این گرایش آن‌چنان قدرتمند خواهد بود که تمامی افکار شما را در یک جهت قرار می‌دهد.

همان‌طور که در کشتی قطب نمای مغناطیسی عقربه‌ی قطب نما را در جهت مناسب قرار می‌دهد. خواسته‌های قدرتمند شما آن قدر ارزشمند خواهند بود که شما در جهت رسیدن به آن‌ها باید دستورالعمل‌های این کتاب را به خوبی پیاده کنید. روش‌های ارائه شده در کتاب برای کسانی مناسب است که گرایش به ثروت در آن‌ها آن‌چنان قدرتمند است که می‌تواند بر سستی ذهن و راحت طلبی خود غلبه کنند و این روش‌ها را در عمل پیاده سازند.

هرچه تصویر ذهنی شما واضح‌تر و پُرجزئیات‌تر باشد و تمرکز بیشتری بر آن داشته باشید و تمامی جزئیات آن را با شادی و به روشنی مشخص کرده باشید، گرایش و تمایلات شما قدرتمندتر خواهند بود. و هر چه این گرایش قدرتمندتر باشد، تصویر خواسته آسان‌تر در ذهن‌تان تثبیت می‌شود. البته مسئله‌ی مهم دیگری جدا از دیدن واضح و روشن جزئیات خواسته وجود دارد و آن این است که تصویرسازی صرف از شما یک رویا پرداز می‌سازد و قدرت اندکی در به واقعیت رساندن آن تصاویر خواهد داشت.

در ورای هر تصویر واضح باید هدفی قرار داشته باشد که آن تصویر را معنادار سازد و آن را به ظهور برساند. در ورای این هدف، ایمانی راسخ و استوار مبنی بر این‌که آن خواسته در اصل متعلق به شماست، در دستان شماست و فقط باید اندک زمانی بگذرد تا به ظهور برسد و آماده شود.

لازم است از لحاظ ذهنی در یک منزلی جدید زندگی کنید. پیش از این‌که به وجود بیاید، در قلمروی ذهنی، لحظه‌ای لذت کامل داشتن خواسته‌ی خود را درک و احساس کنید. پیامبر خدا می‌فرماید: «باور این است که هر آن‌چه در دعا می‌طلبید، می‌یابید و از آن برخوردار خواهید شد». خواسته‌های خود را طوری در نظر بیاورید که گویی همواره در اطراف شما قرار دارند و خود را در حال استفاده و داشتن آن‌ها تصور کنید و در تصورات خود همان‌طور که در واقعیت به طور ملموس از آن‌ها استفاده می‌کنید، استفاده کنید. تا آشکار و پُرجزئیات شدن تصویر ذهنی، به تصویرسازی خود ادامه دهید.

سپس نگرش ذهنی داشتن و مالکیت هر آن‌چه را در تصور وجود دارد، خلق کنید. مالکیت را ذهناً از آن خود بدانید و ایمان راسخ داشته باشید که آن اشیاء واقعاً متعلق به شما هستند. این مالکیت ذهنی را تقویت کنید و حتی لحظه‌ای در ایمان راسخ خود سست نشوید. مطالب مربوط به شکرگزاری که در فصل پیش مطرح شده‌اند در خاطر داشته باشید و همیشه به خاطر داشتن آن اشیاء سپاس‌گزار باشید. زیرا انتظار دارید که به موقع آن‌ها را دریافت کنید. فردی که بتواند بابت داشتن آن‌چه که در ذهن خود به تصویر کشیده، خالصانه از خدا تشکر کند، ایمان واقعی دارد و ثروتمند خواهد شد.

او قادر به خلق و آفرینش خواسته‌ی خویش می‌باشد. برای خواسته‌ی خود دعا کنید. اما لازم نیست هر روز خواسته‌ی خود را از خدا بطلبید. پیامبر خدا به شاگردان خود می‌فرمود: «هم‌چنین هنگام دعا عبارتی توخالی تکرار نکنید، آن‌گونه که بت پرستان می‌کردند. زیرا می‌پنداشتند به سبب زیاده گفتن دعای‌شان مستجاب می‌شوند. پس مانند ایشان نباشید، زیرا خدای شما پیش از این‌که از او درخواست کنید، نیازهای شما را می‌داند».

نقش شما این است که تمایل به حیات کامل‌تر را در خود به طرز هوشمندانه‌ای شکل دهید و این خواسته را به صورت یک کل منسجم در بیاورید. سپس این گرایش کامل و جامع را به جوهره بی‌شکل القاء کنید. جوهره این قدرت را دارد که خواسته‌ی شما را برآورده سازد و این کار را خواهد کرد. شما نمی‌توانید این تاثیر را با تکرار خواسته‌ی خود، آن هم به طور خلاصه به جوهره القاء کنید. بلکه این کار را با تصاویر ذهنی هدفمند و قدرتمند انجام می‌دهید، در حالی که ایمان دارید حتماً به خواسته‌ی خود خواهید رسید.

برآورده شدن دعا در واقع پاسخ به ایمان کلامی شما نیست، بلکه در جواب ایمان به همراه عمل است.

شما نمی‌توانید با اختصاص یک روز خاص به عبادت، خواسته‌های خود را از خدا بطلبید و به خواسته‌هایتان برسید و در روزهای باقی‌مانده خدا را فراموش کنید. نمی‌توانید با اختصاص دادن ساعاتی از روز به دعا در مکانی خلوت خدا را تحت تاثیر قرار داده و در دیگر ساعات روز اصلاً به آن چیزها فکر نکنید و دوباره در ساعات دعا آن‌ها را در ذهن خود مرور و یادآوری کنید. دعای کلامی بسیار خوب است و تاثیرات خود را مخصوصاً در جهت پایدار کردن ایمان و تصویر ذهنی واضح‌تر نشان داده است. اما این درخواست کلامی شما نیست که شما را به خواسته‌تان می‌رساند. ثروتمند شدن نیازی به ساعات طولانی و شیرین دعا ندارد. شما باید به طور پیوسته و همیشگی دعا کنید.

به این صورت که همواره بر تصویر ذهنی خود و به صورتی هدفمند پایدار بمانید و همواره آن تصویر را در هر حالتی در ذهن خویش داشته باشید. تا این‌که در قالب‌های مادی شکل بگیرد. فقط ایمان رسیدن به خواسته‌هایتان را در خود حفظ کنید. باور داشته باشید که به آن چه طلبیده‌اید خواهید رسید. پس از مشخص کردن دقیق تصویر ذهنی وارد مرحله‌ی دریافت می‌شوید.

پس از شکل دهی آن تصویر، بهتر است یک عبارت کلامی تاکیدی را در قالب دعای خالصانه به وجود آورید و خداوند را مخاطب قرار دهید. از آن لحظه به بعد ذهناً این باور را خواهید داشت که خواسته‌ی خود را دریافت کرده‌اید. در یک خانه‌ی جدیدی زندگی کنید. لباس‌های زیبا بپوشید. اتومبیل خود را برانید. به مسافرت بروید و با اطمینان کامل برای مسافرت‌های بیش‌تر برنامه‌ریزی کنید. درباره‌ی خواسته‌ی خود طوری صحبت کنید که گویی اکنون و در واقعیت از آن شماست. فضای اطراف و شرایط مالی خود را همان‌طور که می‌خواهید باشد تصور کنید و همواره در آن فضای خیالی زندگی کنید. البته این نکته را در نظر داشته باشید که این کار صرفاً یک رویا پردازی و خیال‌بافی نباشد. اما ایمان داشته باشید که تفاوت میان یک دانشمند و یک رویا پرداز به دلیل وجود هدف و ایمان است. با فراگیری این واقعیت به مرحله‌ای وارد می‌شوید که شما باید استفاده‌ی درست از قدرت اراده را نیز فرا بگیرید.

بکارگیری قدرت اراده

علم ثروت اندوزی مستلزم اعمال قدرت یا زور بر انسان‌های دیگر نمی‌باشد. هیچ ضرورتی ندارد این کار را انجام دهید. درحقیقت، هر گونه تلاش در استفاده‌ی نابجا از قدرت اراده منجر به شکست شما در رسیدن به هدف‌هایتان می‌شود. نیازی نیست که اراده‌ی خود را به اشیاء تحمیل کنید تا به سوی شما حرکت کنند. این اجبار به این معناست که بخواهید خداوند را وادار سازید کاری کند، که قطعاً احمقانه، بی‌فایده و غیرقابل قبول است.

نمی‌توانید خداوند را مجبور کنید که خوبی‌ها را در اختیار شما قرار دهد. عدم توانایی شما در این کار، به اندازه‌ی عدم توانایی شما در استفاده از قدرت اراده‌ی خود برای طلوع خورشید است. از قدرت اراده‌ی خود نمی‌توانید برای شکست دادن الهه‌ی شیطانی و نامهربانی استفاده کنید. نمی‌توانید اراده کنید که نیروهای طغیان‌گر و سرکش خواسته‌های شما را برآورده کند.

جوهره با شما دوست است و بی‌صبرانه حتی بیش‌تر از شما تمایل دارد که خواسته‌ی شما را برآورده کند. برای ثروت اندوزی فقط اراده‌ی خود را بر شخص خودتان اعمال کنید. وقتی چگونگی درست فکر کردن و درست عمل کردن را بدانید، می‌توانید از قدرت اراده‌ی خود در جهت تفکر و عمل به شیوه‌ی درست استفاده کنید.

این روش، روش استفاده‌ی مشروع از اراده در راه رسیدن به خواسته است. از قوه‌ی اراده‌ی خود در جهت ماندن در مسیر صحیح استفاده کنید و آن را در جهت تفکر و اقدام به شیوه‌ی خاص به کار بگیرید. سعی نکنید اراده‌ی افکار و ذهنیت‌های خود را به گونه‌ای القاء کنید که به افراد، اشیاء اجباری تحمیل شود. ذهن خود را در جایگاه مناسب آن قرار دهید. با این کار، عملکرد ذهن‌تان بسیار بهتر می‌شود.

در جهت شکل‌دهی تصویر ذهنی خواسته‌های‌تان، از ذهن خود استفاده کنید و آن تصویر ذهنی را با ایمان و به طور هدفمند در ذهن خود حفظ کرده و از اراده‌ی خود در جهت حفظ ذهن خویش در مسیر صحیح استفاده کنید. هر چه هدف و ایمان شما پابرجاتر و مستحکم‌تر باشد، سریع‌تر ثروتمند خواهید شد. زیرا همواره تاثیر مثبتی را بر جوهره القاء خواهید کرد.

تصویر تمایلات شما که با ایمان و هدفمندی در ذهن‌تان تثبیت شده باشد، توسط جوهره بی‌شکل دریافت شده و در فواصل دور و در سرتاسر کائنات منتشر خواهد شد و این تمام آن چیزی است که از آن مطمئنم. به محض انتشارات این القاء ذهنی همه‌ی اشیاء در جهت به ظهور رسیدن خواسته شما حرکت خواهند کرد. همه‌ی موجودات زنده، غیره زنده و آن‌هایی که هنوز خلق نشده‌اند، در جهت برآورده شدن خواسته‌های‌تان گام برمی‌دارند. تمامی نیروهای کائنات در آن جهت قرار می‌گیرند و تمامی اشیاء به سوی شما حرکت می‌کنند. ذهن افراد دیگر در جهتی قرار می‌گیرد که امکانات لازم در رسیدن شما به خواسته‌های‌تان را در اختیارتان قرار دهد و انسان‌های دیگر به طور ناخودآگاه به شما کمک می‌کنند تا به خواسته‌ی خود برسید.

به همان اندازه که ایمان و هدفمندی، شما را به خواسته‌تان نزدیک می‌کند، شک و بی‌ایمانی نیز شما را از خواسته‌های‌تان دور می‌کند.

اغلب افرادی که سعی می‌کنند با استفاده از قدرت فکر ثروتمند شوند، با عدم درک این واقعیت شکست می‌خورند. هر ساعت و لحظه‌ای که صرف شک و ترس می‌کنید، هر ساعتی که به نگرانی می‌گذرانید و هر ساعتی که روح شما در تسخیر بی‌ایمانی است؛ جریانی را که در کل قلمروی جوهره هوشمند به سوی شما روان شده است از خود دور می‌سازید.

این وعده برای کسانی برآورده می‌شود که اعتقاد داشته باشند تمامی قدرت و اختیار در جهان از آن خودشان است. پیامبر خدا اعتقاد بسیار عمیقی داشت و شدیداً به اعتقادات خود استوار بود و علت آن نیز روشن است. اعتقاد کامل و صددرصد اهمیت دارد، زیرا شما را وادار به محافظت از افکارتان می‌کند.

در این جا است که از قدرت اراده استفاده می‌کنید، زیرا قدرت اراده است که تصمیم می‌گیرد که توجه خود را به چه چیزی معطوف سازید. اگر می‌خواهید ثروتمند شوید، نباید فقر را بررسی کنید. اشیاء با تفکر درباره‌ی متضادشان شکل نمی‌گیرند. هیچ‌گاه با مطالعه و تفکر درباره‌ی بیماری به سلامتی نخواهید رسید. درستکاری را با مطالعه‌ی گناه و تفکر به گناه به دست نخواهید آورد. هیچ‌گاه با مطالعه و تفکر درباره‌ی فقر ثروتمند نخواهید شد. از فقر سخن نگویید. آن را موشکافی نکنید. نگران آن نباشید و به علل آن توجه‌ای نشان ندهید. به شما هیچ ربطی ندارد.

آن چه که به شما مربوط است، درمان است.

فقر و هر آن چه که به آن بستگی دارد رها کرده و فقط موفق شوید، ثروتمند شوید. چون بهترین راه کمک به فقرا ثروت اندوزی است.

با ذهنی سرشار از تصاویر فقر نمی‌توانید تصویر ذهنی ثروت را حذف کنید. کتاب‌ها، مجلات و روزنامه‌هایی را که اخبار فقر و بیچارگی می‌نویسند، مطالعه نکنید. با داشتن این مطالب هیچ کمکی به فقرا نخواهید کرد. داشتن دانش فراوان از علل و عوامل فقر به فقر زدایی کمکی نمی‌کند. حفظ تصویر فقر در ذهن، آن را ریشه کن نخواهد کرد.

حفظ تصاویر مثبت، دشمن فقر است. با منع ذهنی از داشتن تصاویر فقر و بدبختی مانع از ماندن فقرا در بدبختی می‌شوید. با افزایش تعداد ثروتمندان که به فقر می‌اندیشند، از شر فقر خلاص نخواهید شد. با افزایش تعداد فقیرانی که با ایمان و هدفمندی به دنبال ثروت اندوزی هستند، فقر ریشه کن خواهد شد. فقرا به خیریه نیازی ندارند. آن‌ها انگیزه می‌خواهند. خیریه به آن‌ها قرصی نان می‌دهد و آن‌ها را در بدبختی نگه می‌دارد یا این که باعث می‌شود یکی دو ساعت همه‌ی سختی‌ها را فراموش کنند.

اما انگیزش بخشی باعث می‌شود که برای خلاصی از فقر حرکت کنند.

اگر می‌خواهید به فقرا کمک کنید، به آن‌ها ثابت کنید که شما خودتان می‌توانید ثروتمند شوید. با ثروتمند شدن خودتان به فقرا انگیزه دهید.

راه ریشه کنی ابدی فقر، ثروتمند کردن روز افزون مردم با استفاده از آموزه‌های این کتاب است. مردم باید یاد بگیرند که با خلق و آفرینش و نه با رقابت، می‌توان ثروتمند شد. فردی که با شیوه‌ای رقابتی ثروتمند شود، پلکان ترقی را پشت سر خود به زمین می‌اندازد و دیگران را از رشد باز می‌دارد. اما فردی که به شیوه‌ای خلاق ثروتمند می‌شود، راه‌هایی را پیش روی هزاران نفر می‌گشاید و به آن‌ها

انگیزه‌ی قدم گذاشتن در آن راه‌ها را می‌دهد. دوری از ترحم و دلسوزی به حال فقرا نشانه‌ی سنگدلی و بی‌احساسی نیست. وقتی فقر را نمی‌بینید، درباره‌ی آن مطالعه نمی‌کنید یا در مورد آن فکر و صحبت نمی‌کنید و به حرف‌های کسانی که درباره‌ی فقر صحبت می‌کنند گوش نمی‌دهید، از قدرت اراده‌ی خود استفاده می‌کنید تا ذهن خود را از مبحث فقر دور نگه دارید. ذهن خود را با ایمان و هدفمندی بر آن تصویری که می‌خواهید به آن برسید، متمرکز کنید.

استفاده‌ی حداکثری از اراده

شما نمی‌توانید تصویری روشن و پرجزئیات از ثروت داشته باشید، درحالی‌که پیوسته توجه خود را به تصویر مخالف آن یعنی فقر معطوف کرده‌اید. فرقی نمی‌کند که این تصاویر، ذهنی باشند یا عینی. از مشکلات مالی گذشته‌ی خود صحبت نکنید. اصلاً به این مشکلات فکر نکنید. از فقر والدین یا زندگی سخت گذشته‌ی خود صحبتی به میان نیاورید. در غیر این صورت خود را در زمره‌ی طبقات فقیر جامعه قرار می‌دهید و به طور قطع، حرکت اشیاء در جهت شما با این سخنان کنترل خواهد شد.

پیامبر خدا می‌فرماید: بگذارید مردگان، مردگان خود را به خاک بسپارند. فقر و هر آنچه را به آن مربوط است کاملاً پشت سر بگذارید.

شما این واقعیت را پذیرفته‌اید که یک نظریه‌ی قطعی و صحیح بر کائنات حاکم است. حال اگر تمامی آرزوهای خود را بر اساس آن نظریه بخواهید و بر اساس آن عمل کنید، به خواسته‌ی خود خواهید رسید. توجه کردن به نظریه‌های مخالف و متناقض هیچ کمکی به شما نخواهد کرد. آن کتاب‌های مذهبی را که از پایان یافتن زود هنگام جهان صحبت به میان می‌آورند، مطالعه نکنید. نوشته‌های فیلسوف‌های منفی‌باف و فضول را که همه چیز را در قلمروی تحت کنترل شیطان می‌دانند، مطالعه نکنید. جهان در کنترل و دستان شیطان نیست. جهان در قبضه‌ی قدرت الهی خداوند است.

این‌که موارد نامطلوب زیادی در شرایط کنونی ما وجود دارد واقعیت دارد. اما آیا مطالعه‌ی آن‌ها فایده‌ای هم خواهد داشت؟ موارد نامطلوب در حال از بین رفتن هستند و مطالعه‌ی آن‌ها فقط سر آمدن آن‌ها را کنترل کرده و مدت زمان بیش‌تری آن‌ها را با ما نگه می‌دارد. چرا زمان و انرژی خود را صرف مسائلی کنیم که در روند رشد تکاملی بشر خود به خود از بین خواهند رفت. شما می‌توانید با ایفای نقش واقعی و درست خود، به از بین رفتن آن مسائل در روند رشد تکاملی بشر کمک کنید.

اصلاً اهمیتی ندارد که شرایط در برخی کشورها، بخش‌ها و یا مناطق تا چه حد وحشتناک است. شما با توجه بر این مشکلات فقط زمان خود را هدر می‌دهید و فرصت‌ها را از خود دور می‌سازید. شما باید به ثروتمند شدن آن هم در سطحی جهانی علاقه مند باشید. به جای این‌که به خارج شدن از فقر فکر کنید، به وارد شدن به ثروت بیاندیشید.

به خاطر داشته باشید تنها راه کمک به ثروتمند شدن جهان این است که خود شما با به کارگیری از روش‌های خلاق و نه رقابتی ثروتمند شوید.

تمامی وقت ذهن و اندیشه را صرف ثروت کردن، به این معنا نیست که باید انسان سنگدل و بدذات باشد. ثروت اندوزی شرافتمندانه‌ترین هدف حیات است، زیرا تمامی دیگر اهداف را دربرمی‌گیرد.

در یک چهارچوب رقابتی ثروت اندوزی از قدرت انسان در جهت به کنترل در آوردن انسان‌های دیگر استفاده می‌شود و خواست خداوند در نظر گرفته نمی‌شود. اما وارد شدن به ذهن خلاق همه چیز را تغییر خواهد داد. عظمت و گشایش، تلاش شرافتمندانه و خدمت به خلق همگی با ثروتمند شدن محقق می‌شود. زیرا برای دستیابی به این ارزش‌ها امکاناتی لازم است که با ثروت به دست می‌آید.

اگر از ضعف جسمانی رنج می‌برید، خواهید دید که دستیابی به سلامت جسمانی مشروط بر ثروت اندوزی است. تنها کسانی می‌توانند سلامت بمانند که از نگرانی‌های مالی به دور بوده و امکانات لازم برای یک زندگی بدون دغدغه و نگرانی داشته باشند و بتوانند بهداشت را رعایت کنند.

عظمت روحی و اخلاقی از آن کسانی است که برای حفظ بقاء نیازی به رقابت نداشته باشند و در راستای یک چهارچوب اندیشه‌ی خلاق ثروتمند شده باشند. اگر از صمیم قلب به دنبال سعادت خانوادگی هستید، بدانید که عشق زمانی بهتر شکوفه می‌شود که بتوان ارزش آن را درک کرد، با درک بالایی به آن اندیشید و آن را از افتادن در ورطه‌ی فساد و روزمرگی حفظ کرد. و این زمانی رخ می‌دهد که با استفاده از اندیشه‌ی خلاق و بدون درگیری و رقابت ثروتمند شده باشید.

تکرار می‌کنم:

شما نمی‌توانید هدفی شرافتمندانه‌تر و عظیم‌تر از ثروتمند شدن را جستجو کنید.

توجه خود را از آن تصویر ذهنی که بر فقر متمرکز است، دور کنید تا ذهنی کاملاً پاکیزه داشته باشید. سعی کنید ماهیت زیبایی هر شئی را درک کنید. سعی کنید در ورای ظاهر اتفاقات و اشیاء، حقایق را ببینید. حیات کامل همواره در جهت تجلی کامل و سعادت کامل‌تر است. واقعیت این است که چیزی به نام فقر وجود ندارد. هرچه هست ثروت مطلق است.

برخی مردم فقیر می‌مانند زیرا این حقیقت را نمی‌دانند که برای آن‌ها هم ثروت وجود دارد.

با تغییرات شخصیتی در رسیدن به ثروت می‌توانید این مطلب را به آن‌ها آموزش دهید. برخی دیگر از فقرا می‌دانند که راه حلی وجود دارد اما از لحاظ عقلی بسیار کم بهره‌اند و نمی‌توانند تلاش ذهنی لازم را در یافتن راه و به ثمر رساندن آن انجام دهند. بهترین کاری که برای این افراد می‌توان کرد این است که بر اساس تمایلات‌شان به آن‌ها انگیزه داد و به آن‌ها ثابت کرد که می‌توان به ثروت واقعی سعادت‌مند شد. دیگران هم‌چنان در فقر به سر می‌برند. زیرا اگر چه بارقه‌هایی از علم ثروت اندوزی را می‌بینند، اما در هزار توی ماوراء الطبیعه و نظریه‌های افسون‌گر اسیر و سردرگم شده‌اند. آن‌ها سعی می‌کنند ترکیبی از عوام مختلف را به کار گیرند و در همه‌ی آن‌ها شکست می‌خورند.

به همین دلیل دوباره تاکید می‌کنم بهترین راه این است که شما خودتان راه درست را پیدا کرده و از آن مسیر بروید. ذره‌ای عمل بر خروارها نظریه پردازی می‌ارزد و ارزش دارد. بهترین خدمتی که می‌توانید به کل جهان هستی بکنید این است که نهایت تلاش‌تان را بکنید. هیچ روشی برای خدمت به خدا و خلق خدا بهتر از ثروت اندوزی با استفاده از روش خلاق نمی‌باشد. نباید با روش رقابتی ثروتمند شوید.

ادعای دیگر ما این است که این کتاب اصول علم ثروت اندوزی را با جزئیات کامل ارائه داده است. در صورت صحت این ادعا شما به مطالعه‌ی هیچ کتاب دیگری در این زمینه نیاز نخواهید داشت. شاید این تفکر کوتاه‌فکرانه و متعصبانه به نظر برسد، اما توجه داشته باشید که در محاسبات ریاضی به جز چهار عمل اصلی ضرب، تقسیم، جمع و تفریق راه دیگری وجود ندارد.

فقط یک کوتاه‌ترین فاصله میان یک راه برای علمی فکر کردن وجود دارد و آن فکر کردن به مستقیم‌ترین و ساده‌ترین راه برای رسیدن به هدف است. انسان تا به امروز نتوانسته سیستمی مختصر و مفیدتر از آنچه در این کتاب آمده است طراحی و دسته‌بندی کند. در این کتاب تمامی مواد غیرضروری حذف شده است. هنگامی که به آموزه‌های این کتاب متعهد شدید، کتاب‌های دیگر را به کناری بگذارید و همگی آن‌ها را از ذهن پاک کنید.

این کتاب را روزانه مطالعه کنید، آن را به همراه خود داشته باشید، آن را به خاطر بسپارید و به هیچ سیستمی و یا نظریه‌ی دیگری فکر نکنید. در صورتی که این کار را انجام ندهید، شک و دودلی به شما روی می‌آورد. افکارتان نامطمئن شده و از این شاخه به آن شاخه می‌پرد و این‌جاست که شکست شما آغاز خواهد شد. پس از موفقیت و ثروتمند شدن، سیستم‌های دیگری را تا آن اندازه که علاقمند هستید بررسی و مطالعه کنید. اما تا زمانی که کاملاً مطمئن نشده‌اید به خواسته‌های خود رسیده‌اید، هیچ نوشته‌ی دیگری را که در راستای این کتاب نباشد مطالعه نکنید.

فقط خبرهای مثبت را بخوانید و به آن خبرهایی توجه کنید که با تصویر ذهنی شما در هماهنگی کامل باشد. هم‌چنین از تجسس و موشکافی در امور مرموز بپرهیزید. مسائل مربوط به نظریه پردازی‌های گوناگون و افسون و سحر و جادو را به کناری بگذارید و به این که مردگان هم‌چنان به حیات خود ادامه می‌دهند و در نزدیکی ما زندگی می‌کنند و به صحت و سقم این مسئله توجه‌ای نکنید. مردگان را به حال خودشان رها کنید. سرتان به کار خودتان باشد. ارواح مردگان هر جا که باشند به امورات خود مشغولند. ما حق نداریم درمسائل آن‌ها وارد شویم. نمی‌توانیم به آن‌ها کمکی کنیم. نمی‌دانیم آیا آن‌ها می‌توانند به ما کمکی کنند و یا اصلاً این حق را داریم که از آن‌ها بخواهیم زمانی را نیز به ما اختصاص دهند یا خیر؟ همه‌ی موارد مشکوک فوق را رها کنید و مشکلات‌تان را خودتان حل کنید و ثروتمند شوید. اگر با سحر و جادو و افسون‌گری خود را مشغول کنید، وارد نوعی جریان ذهنی خواهید شد که امیدهای شما را بر باد خواهد داد.

در این قسمت مثل قسمت قبلی عبارت پایه‌ای را تکرار می‌کنیم:

جوهره اندیشمندی وجود دارد که منشاء خلق همه‌ی اشیاء می‌باشد که در حالت اصل خود در سرتاسر کائنات پراکنده شده و نفوذ کرده است و فضاهای میان اشیاء مختلف را پر کرده است. لقاء تصویر هر اندیشه‌ای بر این جوهره، می‌تواند آن اندیشه را در واقعیت خلق کند. انسان می‌تواند اشیاء را در اندیشه‌ی خود تصور کند و با لقاء این اندیشه‌ها به جوهره بی‌شکل، آن اندیشه‌ها را بی‌آفریند.

برای انجام این کار باید جهت‌گیری ذهنی را از رقابت به خلاقیت سوق داد و تصویری روشن از خواسته‌ی خود داشت و با هدفمندی این تصاویر را در ذهن تثبیت کرد تا به خواسته رسید و ایمان راسخ داشت که خواسته‌ی قابل دسترسی است. راه را به هر ذهنیت که هدف‌تان را سست کرده، تصویرتان را تار کند و یا ایمان‌تان را متزلزل سازد ببندید. با در نظر گرفتن تمامی مطالب فوق در می‌یابیم انسان باید به شیوه‌ای خاص زندگی و اقدام کند.

اقدام به شیوه ای خاص

اندیشه، نیرویی خلاق و یا قدرتی است که نیروی خلاق را به انجام کاری وا میدارد. تفکر به شیوه ای خاص ثروت را به زندگی شما سرازیر میکند. اما باید توجه داشته باشید که تکیه و توجه صرف بر اندیشه بدون هیچ اقدامی فایده ای ندارد. تکیه ی محض به اندیشه، همان صخره‌های است که کشتی تمامی آن افرادی که صرفاً به افکار متافیزیکی خود اعتماد میکنند به آن برخورد میکنند و به گِل می نشینند. باید اندیشه ی خود را با اقدام همراه کنید. ما در اینجا فرض را بر این قرار میدهیم که مرحله ای از رشد بشری که انسان بتواند در آن مرحله مستقیماً و از طریق جوهره اندیشمند به خلق و آفرینش اقدام کند، وجود ندارد و اگر چنین مرحله ای وجود داشته باشد انسان این عصر هنوز به آن مرحله نرسیده است.

اندیشه به تنهایی هیچ کاری به انجام نمی رساند و باید با اقدام فردی مناسب همراه شود. اندیشه ی شما طلای پنهان در دل کوهستانها را به شما نشان خواهد داد. اما آن طلاها بخودی خود استخراج نخواهند شد. خود را پالایش نمی کنند و به صورت سکه در نمی آیند و روی جاده ها نمی غلتند تا اینکه وارد زندگی شما شوند. قدرت هوش برتر کیهانی تلاشهای انسانی را در نظمی قرار داده است که اگر فردی به سوی معدن هدایت شود، افراد دیگری نیز هستند که روابط تجاریشان به گونه ای هدایت میشود تا طلاها را برای شما بیاورند. و شما هم باید مسائل تجاری خود را طوری برنامه ریزی کنید که هنگام رسیدن طلاها بتوانید آنها را دریافت کنید. اندیشه ها، اشیاء زنده و غیر زنده را خلق می کنند تا شما را به خواسته هایتان برسانند. البته اقدام فردی شما باید به گونه ای باشد که هنگام مهیا بودن آنها بتوانید خواسته ی خود را دریافت کنید. قرار نیست خواسته ی خود را در قالب یک اقدام خیریه دریافت کنید یا اینکه آن را بدزدید .

شما باید به هر فرد در ازاء شیئی که دریافت میکنید بیش از ارزش مادی آن شیء از لحاظ علمی و معنوی بپردازید. استفاده ی علمی از اندیشه به این شکل است که شما ابتدا تصویری روشن، واضح و پر از جزئیات را از خواسته ی خود در ذهن شکل دهید و سپس در جهت دستیابی به آن تصویر سریعاً اقدام کنید. و این کار را با ایمان کامل از اینکه به خواسته ی خود خواهید رسید و با شکرگزاری از اینکه به خواسته ی خود رسیده اید، انجام می دهید. به هیچ روش مرموز و یا سحرآمیز به امید اینکه به خواسته ی خود می رسید، متوسل نشوید. این تلاش بیهوده است و قدرت تفکر پاک و مقدس شما را تضعیف می سازد. در فصول پیشین جزئیات اقدام صحیح در هم راستایی با اندیشه به طور کامل شرح داده شده است. ایمان و هدفمندی شما تاثیر مثبتی به تصویری که بر جوهره بی شکل القاء میکنید دارد که به اندازه ی شما تمایل دارد حیات بخشی کند و شما را رشد دهد.

جوهره تمامی نیروهای خلاق را به کار میگیرد تا از طریق تمامی کانالهای موجود و معمول در جهت خواسته ی شما حرکت کند و آن

خواسته را برآورده سازد. نقش شما هدایت و نظارت به آن جریان خلاق نمیباشد. وظیفه ی شما این است که به تصویر ذهنی خود پایبند بمانید، هدفمند باشید و ایمان و شکرگزاری خود را حفظ کنید. اما باید به شیوه‌های خاص عمل کنید تا بتوانید آنچه را که از آن شماسست در آن لحظهای که در مقابل شما قرار میگیرد شناسایی کرده و بر اساس تصویر ذهنی خود آن را به دست بیاورید و در جای مناسب خود قرار دهید.

واقعیت این است که این اشیاء ممکن است به صورتی به شما روی آورد که در دستان دیگران باشند و دیگران معادل آن اشیاء را از شما طلب کنند. در اینجا شما با پرداخت معادل آن اشیاء به آن صورتیکه شخص مقابل طلب میکند به خواسته ی خود می رسید. کتاب جیبی شما قرار نیست بدون هیچ تلاشی به یک کیف جادویی پر از پول تبدیل شود. این یک نکته ی مهم در قانون توانگری است. دقیقاً اینجاست که فکر و عمل فردی باید با هم ادغام شوند. افراد زیادی هستند که آگاهانه یا ناخودآگاه نیروی خلاق را به وسیله ی تفکر و تخیل مدام خودفعال میکنند، اما همچنان فقیر هستند. به این علت که برای دریافت آنچه که می خواهند زمانیکه می آید، آماده نیستند. با فکر کردن شما، آنچه که می خواهید به سمتتان می آید. ولی با عمل است که شما آن را دریافت خواهید کرد.

هرگاه عملی به ذهنتان آمد آن را انجام دهید. شما نمی توانید برای گذشته کاری کنید و این یک اصل است که برای شفاف کردن تصویر ذهن خود باید گذشته را فراموش کنید. از طرفی شما نمیتوانید در آینده عمل کنید. به این دلیل آینده فعلاً اینجا نیست. شما نمی توانید بگویید که می خواهید در آینده کاری کنید. تا وقتی که آن زمان نرسیده باشد به خاطر اینکه در شغل مناسب نیستید یا هم اکنون در مکان مناسب نیستید، نباید تصور کنید که باید عمل را متوقف کنید تا زمانیکه به شغل و محیط مناسب برسید.

همچنین به دنبال یافتن راه حلی برای مشکلات احتمالی و شرایط اضطراری یا به اصطلاح روز مبادا نباشید. ایمان داشته باشید که توانایی روبرو شدن با هر شرایط اضطراری در آینده را خواهید داشت. اگر شما در زمان حال با ذهنتان روی آینده کار کنید، کاری که باید برای هم اکنون انجام دهید در ذهنتان خوابیده خواهد ماند و موثر واقع نخواهد شد. ذهن خود را به عمل در حال حاضر متمرکز کنید. به جز حال، زمانی در دست نخواهد بود و هرگز هم هیچ زمانی به جز حال وجود ندارد و اگر بخواهید که همواره برای دریافت آنچه می خواهید آماده باشید، باید در حال حاضر زندگی کنید.

کار و عمل شما هر آنچه که باشد باید روی مردم و چیزهایی برنامه ریزی شود که در زمان حال شما هستند. نمیتوانید در زمانیکه نیستید کاری انجام دهید. نمیتوانید در جایی که قبلاً بودید کاری انجام دهید و نیز نمیتوانید در جایی که در آینده خواهید بود، کاری کنید. شما تنها میتوانید در جایی که هم اینک هستید کاری انجام دهید. خود را به این امر مشغول نکنید که کاش دیروز فلان کار را خوب انجام می دادم یا اینکه فردا فلان کار خوب انجام میشود. کار امروز را خوب انجام بده. سعی نکنید با سحر و جادو و شیوه های مرموز بر انسانها و اشیاء تاثیر بگذارید. نخواهید همه چیز تغییر کند و بعد شما اقدام کنید. با اقدام خود محیط را تغییر دهید. با اقدام صحیح می توانید بر محیط اطراف خود تاثیر بگذارید و امکانات بهتری را برای خود فراهم سازید.

با ایمان و هدفمندی در بهترین فضای ممکن به تصویر ذهنی خود پایبند بمانید. با این حال با تمام وجود در فضای کنونی اقدام کنید و این کار را با تمام قوا و قدرت ذهنی خود آغاز کنید. به تصویری که از خواسته ی خود در ذهن دارید پایبند بمانید و از هم اکنون اقدام کنید. به دنبال انجام کاری کاملاً جدید، عجیب و متفاوت و یا چشمگیر به عنوان گام نخست نباشید. اقدامات مناسب شما در زمان کنونی شاید همان چیزهایی باشند که از چندی پیش آغاز کرده اید. با این تفاوت که پس از مطالعه ی این کتاب این کار را به

شیوه ی خاصی انجام خواهید داد و مطمئناً شما را ثروتمند خواهد کرد.

در صورتیکه احساس می کنید تجارت کنونی شما نامناسب است، قبل از اقدام منتظر آغاز تجارت جدید نباشید. در همان شغل کنونی خود اقدام به شیوه ای خاص را آغاز کنید. به این دلیل که در جایگاه مناسبی قرار ندارید، ناامید نشوید و زانوی غم به بغل نگیرید. جایگاه شما آنقدر نامناسب نیست که نتوان آن را تغییر داد تا به جایگاه مناسب خود برسید. یک تجارت نامناسب و اشتباه نمی تواند آنقدر شما را درگیر خود کند که نتوانید کار جدیدی را آغاز کنید. در ذهن، تصویری از تجارت مورد علاقه ی خود را با هدفمندی شکل دهید و ایمان داشته باشید که به آن هدف می رسید و اکنون هم در حال طی کردن مراحل رسیدن به آن می باشید. با این حال در تجارت کنونی خود اقدام را آغاز کنید. از تجارت فعلی خود به عنوان پلی جهت رسیدن به کاری بهتر استفاده کنید و از محیط کنونی خود به عنوان ابزاری جهت دستیابی به محیطی بهتر بهره مند شوید.

در صورتیکه کارمند و یا حقوق بگیر هستید و احساس میکنید برای رسیدن به خواسته هایتان باید تغییر مکان دهید، کاری که باید انجام دهید این است که به تصویر ذهنی خود از شغل مورد علاقه تان پایبند بمانید و با ایمان و هدفمندی شغل کنونی خود را به بهترین نحو انجام دهید. مطمئناً آن شغل دلخواه را به دست خواهید آورد. در پایان این فصل عبارت جدیدی را به قاعده اضافه خواهیم کرد که با این مضمون است:

جوهره اندیشمندی وجود دارد که منشاء خلق همه ی اشیاء می باشد که در حالت اصل خود در سرتاسر کائنات پراکنده شده و نفوذ کرده است و فضاهای میان اشیاء مختلف را پر کرده است. القاء تصویر هر اندیشه‌ای بر این جوهره میتواند آن اندیشه را در واقعیت خلق کند. انسان می تواند اشیاء را در اندیشه ی خود تصور کند و با القاء این اندیشه ها به جوهره بیشکل آن اندیشه ها را بی آفریند. برای انجام این کار باید جهتگیری ذهنی را از رقابت به خلاقیت سوق داد و تصویری روشن از خواسته های خود داشت و با هدفمندی این تصاویر را در ذهن تثبیت کرد تا به خواسته رسید و ایمان راسخ داشت که خواسته ی قابل دسترسی هست. راه را به هر ذهنیتی که هدفتان را سست کرده، تصویرتان را تار کند و یا ایمانتان را متزلزل سازد، ببندید. انسان برای اینکه در همان لحظه ای که خواسته اش سر راه او قرار میگیرد بتواند آنرا دریافت کند، باید در لحظه، در زمان حال و در شرایط کنونی خود اقدام کند.

اقدام موثر

از اندیشه‌های خود همان‌طور که تاکنون به شما آموزش داده شده است، استفاده کنید. در هر جا که هستید هر کاری را که می‌توانید آغاز کنید و این کار را با تمام وجود انجام دهید. هنگامی که وظیفه‌ی کنونی خود را به بهترین نحو انجام داده باشید پیشرفت آغاز می‌شود. تا زمانی که وظیفه‌ی کنونی خود را به بهترین نحو انجام نداده باشید، نمی‌توانید از شرایط کنونی خود فراتر روید.

کسانی که کار خود را در هر شرایطی به بهترین نحو ممکن به انجام می‌رسانند، رشد در جهان را به وجود می‌آورند. اگر هیچ انسانی وظیفه‌ی خود را به درستی ایفا نکند، در همه‌ی امورات جهان عقب‌گردی را مشاهده خواهیم کرد. کسانی که وظیفه‌ی خود را به درستی انجام نمی‌دهند باری بر دوش دولت، اقتصاد، صنعت و جامعه هستند و کار ناتمام آن‌ها را باید دیگران به اتمام برسانند. این افراد فرآیند رشد جهانی را به تعویق می‌اندازند. آن‌ها در عصر و یا دوره‌ای قبل از دوره‌ی کنونی زندگی می‌کنند و از بین خواهند رفت.

تک تک افراد هر جامعه‌ای باید کارهای خود را به بهترین نحو ممکن به نتیجه برسانند تا جامعه رشد کند. تکامل اجتماعی تابع تکامل جسمی و ذهنی تک تک افراد جامعه می‌باشد. در دنیای حیوانات سیر تکامل به وسیله‌ی تکامل نوع است. هرگاه یک ارگانیسم فعال‌تر باشد، از جایگاه خود به ارگانیسم‌های متریقی تکامل می‌یابد و مکان جدیدی برای آن‌ها باز می‌شود. هرگز برای ارگانیسمی که بیش از مکان خود پر نمی‌کند مکانی ساخته نمی‌شود.

قانون برای ما نیز همین‌طور است. ثروتمند شدن شما به تلاش‌تان برای اجرا کردن این اصول در کار و زندگی شخصی‌تان بستگی دارد. هر روز، یا روز شکست است یا روز موفقیت و آن روزهایی روزهای موفقیت هستند که شما به خواسته‌ی خود رسیده باشید. اگر هر روزتان را با شکست توأم باشد، هرگز ثروتمند نخواهید شد. درحالی‌که اگر هر روزتان را با موفقیت همراه کنید، حتماً ثروتمند می‌شوید.

اگر کاری دارید که باید امروز انجام شود و آن را انجام ندهید، آن روز در انجام آن کار شکست خورده‌اید و نتیجه‌ی این شکست ممکن است بسیار مصیبت‌بار باشد. شما نمی‌توانید نتایج حاصل از حتی کوچک‌ترین اقدام را پیش‌بینی کنید. از نحوه‌ی عملکرد نیروهایی که در جهت سود رساندن به شما به حرکت درمی‌آیند اطلاعی ندارید. بسیاری از نیروها ممکن است فقط به انجام اقدامات کوچک شما متکی باشند. شاید اقدام زیادی لازم نباشد تا دری از فرصت‌ها و احتمالات خارق‌العاده به روی شما گشوده شود.

شما شاید احتمالات مختلفی را که هوش کیهانی در جهت موفقیت در اختیارتان قرار خواهد داد به درستی شناسید. غفلت و کوتاهی شما در به انجام رساندن امور جزئی ممکن است تاخیری دراز مدت را در رسیدن به خواسته‌های‌تان رقم بزند.

هر روز تمام کارهای مربوط به آن روز را به طور کامل و درست انجام دهید. البته محدودیت و توانایی‌های خود را نیز در نظر بگیرید. نباید بیش از اندازه از خود کار بکشید یا کارهای خود را چشم بسته انجام دهید. سعی نکنید تا حد امکان بیش‌ترین تعداد کارها را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به نتیجه برسانید. نیازی نیست که کار فردا را امروز انجام دهید و یا این‌که کار یک هفته را در یک روز به انجام برسانید. تعداد کارهای انجام شده نیست که به حساب می‌آید، کارآمدی و موثر انجام دادن هر کار است که نتیجه می‌دهد.

هر کاری خودش می‌تواند به تنهایی یک موفقیت یا شکست محسوب شود. هر عملی خودش به تنهایی می‌تواند موثر یا بی‌اثر باشد. هر کار غیرموثری یک شکست است و اگر شما تمام زندگی خود را صرف انجام کارهای غیرموثر کنید، تمام زندگی شما یک شکست خواهد بود. هر چه کار غیر موثر بیش‌تری انجام دهید، برای‌تان بدتر است.

به بیان دیگر هر کار موثری به خودی خود یک موفقیت است و اگر تمام کارهای زندگی‌تان یک موفقیت باشد، تمام زندگی شما به یک موفقیت تبدیل می‌شود. نظریه‌ی فوق کاملاً روشن و سریع است، در صورتی‌که در کارنامه‌ی اقدامات شما اقدام غیرعملی وجود نداشته باشد و تمامی اقدامات شما موثر باشند، موفق و ثروتمند خواهید شد.

تا آن‌جا که ممکن است اقدامات موثرتری را به انجام برسانید و با این کار خواهید دید که علم ثروت اندوزی همانند ریاضی، علمی و بسیار دقیق است. حال این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان هر اقدامی را به خودی خود به یک موفقیت تبدیل کرد. این کار را می‌توان به راحتی انجام داد، زیرا که خداوند قادر و متعال به همراه شماست و هیچ‌گاه شکست نمی‌خورد. نیروهای الهی در خدمت شما هستند و در صورتی‌که از این نیرو به درستی و در جهت انجام صحیح کارها بهره بگیرید، موفق خواهید شد.

هر اقدامی می‌تواند ضعیف انجام شود یا قدرتمند. هنگامی‌که همه‌ی اقدامات شما قدرتمند باشد و به شیوه‌ای خاص عمل کرده باشید، ثروتمند خواهید شد. هنگام انجام هر اقدامی به تصویر ذهنی خود پایبند باشید. با این کار اقدام شما قدرتمند و کارآمد خواهد بود، زیرا با تمامی ایمان و هدفمندی‌تان اقدام کردید. درست در همین مرحله است که کسانی که قدرت ذهنی و اقدام موثر را از هم جدا می‌کنند با شکست مواجه می‌شوند. آن‌ها در یک مکان و زمان از قدرت ذهن خود استفاده نمی‌کنند، اما در مکان و زمان دیگری اقدام می‌کنند و این اقدام ناموفق خواهد بود.

هنگامی‌که با تمامی قوا و با توکل بر خدا دست به کاری بزنید، حتی اگر آن کار بسیار ساده و معمولی باشد با موفقیت توأم خواهد شد. در ماهیت ذاتی اشیاء هر موفقیت دری را به سوی موفقیت‌های بیش‌تری می‌گشاید و با سرعت روز افزونی شما را در جهت رسیدن به خواسته‌های‌تان حرکت می‌دهد. به خاطر داشته باشید که نتایج حاصل از هر اقدام مجزا به طور جمعی به شما می‌رسد. میل به حیات رو به رشد در تمامی اشیاء و موجودات وجود دارد. هرگاه انسانی طالب حیاتی بهتر می‌شود، بسیاری از اشیاء را به سوی خود جذب می‌کند و تاثیر این گرایش چندین برابر می‌شود.

کارهای مربوط به هر روز را در همان روز و به شیوه‌ای موثر به نتیجه برسانید. در هنگام انجام کارهای‌تان به تصویر ذهنی خود پایبند بمانید. لازم نیست این تصویر ذهنی را در تمامی اوقات با جزئیات دقیق و کامل به خاطر بیاورید. ممکن است این تصویر بسیار ساده و معمولی باشد. شما می‌توانید در اوقات فراغت خود قوه‌ی خیال‌تان را بال و پر داده و یک تصویر ذهنی بسیار دقیق و جزئی را مشاهده کنید. اما آن کاری که باید به درستی انجام دهید، این است که این تصاویر باید به اشکال مثبت و انگیزه بخش در ذهن شما ثبت شود. اگر به نتایج سریع علاقه مند هستید، تمامی اوقات فراغت خود را به این کار اختصاص دهید. با تعمق مداوم و تصویر ذهنی به تصویری جامع و پر جزئیات از خواسته‌ی خود می‌رسید. حتی کوچک‌ترین جزئیاتی که در ذهن شما ثبت شده‌اند، به همان صورت کامل و بی‌نقص به جوهره بی‌شکل منتقل خواهد شد. در اوقات فراغت در تصویر خود تعمق کنید. تا جایی‌که ضمیر ناخودآگاه شما از

تصویر لبریز شود و بتوانید به محض این که اراده کنید در لحظه به تصویر دسترسی کامل داشته باشید. نتایج این کار آن چنان جذاب و شیرین خواهد بود که صرفاً اندیشیدن به آن‌ها قدرتمندترین انرژی‌های درونی شما را به حرکت در خواهد آورد.

اجازه بدهید دوباره قاعده‌ی خود را تکرار کنم. البته در جمله‌ی پایانی آن با توجه به روند مطالب تغییرات اندکی داده‌ایم:

جوهره اندیشمندی وجود دارد که منشاء خلق همه‌ی اشیاء می‌باشد که در حالت اصل خود در سرتاسر جهان و کائنات پراکنده شده و نفوذ کرده است و فضاهای میان اشیاء مختلف را پر کرده است. القاء تصویر هر اندیشه‌ای بر این جوهره می‌تواند آن اندیشه را در واقعیت خلق کند. انسان می‌تواند اشیاء را در اندیشه‌ی خود تصور کند و با القاء این اندیشه‌ها به جوهره بی‌شکل، آن اندیشه‌ها را بی‌آفریند. برای انجام این کار باید جهت‌گیری ذهنی را از رقابت به خلاقیت سوق داد و تصویری روشن از خواسته‌های خود داشت و با هدفمندی این تصاویر را در ذهن تثبیت کرد تا به خواسته رسید و در هر روز تمامی آن کارهایی را که می‌توان انجام داد، به نحو موثری به نتیجه رسانید.

آغاز یک تجارت مناسب

صرف داشتن استعداد در زمینه‌ی خاص موفقیت در آن زمینه را تضمین نمی‌کند. موسیقیدانان مستعدی وجود دارند که هم‌چنان در فقر به سر می‌برند. تجارها، آهنگران و انسان‌های مستعد و فوق‌العاده‌ای وجود دارند که ثروتمند نیستند. تجاران فراوانی هستند که استعداد قابل توجه‌ای دارند، اما در معاملات خود شکست می‌خورند.

هر استعدادی مانند یک ابزار عمل می‌کند و داشتن ابزار لازم و مناسب در انجام موثر هر کاری ضرورت دارد. اما لازم است از این ابزار به شیوه‌ای مناسب استفاده شود.

موفقیت در آن تجارتی که شما به ابزار ذهنی لازم برای آن تجارت مجهز باشید، آسان‌تر خواهد بود. به طور کلی، شما در تجارتی که در آن از قدرتمندترین استعدادهای تان استفاده کرده باشید و از لحاظ طبیعی با شما سازگارتر باشند، موفق‌تر خواهید بود.

اما همواره به یاد داشته باشید شما قابلیت موفقیت در هر تجارتی را دارید، حتی اگر استعدادهای لازم آن تجارت را نداشته باشید، زیرا می‌توانید آن استعدادهای را کسب کنید. در واقع می‌توانید در حالی که در مسیر پیشرفت گام بر می‌دارید، امکانات مورد نیاز خود را نیز تامین کنید. لازم نیست خود را به استفاده‌ی صرف از استعدادهای مادرزادی تان محدود کنید.

البته موفقیت در حرفه‌ای که از قبل استعداد لازم جهت رشد در آن را کسب کرده‌اید آسان‌تر است، اما موفقیت در هر حرفه‌ای امکان‌پذیر است. زیرا شما می‌توانید هر کدام از استعدادهای فطری خود را پرورش داده و در آن استعداد به بالاترین سطح از رشد و پیشرفت برسید.

مطمئن باشید که شما در هر زمینه حداقل استعداد فطری لازم را دارید. در صورتی که از استعدادهای شکوفا شده‌ی خود استفاده کنید، به راحتی می‌توانید ثروتمند شوید. با این حال، در صورتی که در راستای شغل و حرفه‌ی مورد علاقه‌ی خود استعدادهای شکوفا نشده‌ی خود را پرورش داده و شکوفا کنید، ثروت اندوزی شما با رضایتمندی بیش‌تری توأم خواهد بود.

زندگی یعنی این که کاری را انجام دهید که دوست دارید و اگر مجبور باشید برای همیشه شغلی داشته باشید که به آن علاقه ندارید، هیچ‌گاه رضایت واقعی نخواهید داشت.

شما مطمئناً می‌توانید کاری را که می‌خواهید انجام دهید. تمایل نشانگر وجود توانایی است. گرایش به نواختن موسیقی نیرویی است که توانایی نواختن موسیقی را نشان می‌دهد که در طلب آشکار شدن و رشد است. تمایل به اختراع ابزار مکانیکی یک استعداد مکانیکی را نشان می‌دهد که در طلب آشکار شدن و رشد است. در آن جایی که هیچ نیروی رشد یافته و یا حتی ضعیفی برای انجام کاری وجود نداشته باشد، تمایلی به انجام آن کار نیز وجود ندارد. وجود میل شدید برای انجام کاری نشان می‌دهد که نیروی عظیمی در جهت انجام آن کار وجود دارد و فقط باید این نیرو را پرورش داده و به شیوه‌ای صحیح به کار گرفت.

در شرایط یکسان، بهتر است آن تجارتي را انتخاب کنید که استعدادهای مورد نیاز آن تجارت در شما شکوفا شده باشد. اما با این حال اگر به زمینه‌ی کاری خاصی گرایش دارید، در نهایت باید آن را به عنوان هدف خود انتخاب کنید. شما می‌توانید هر آنچه را که می‌خواهید انجام دهید و این حق شماست که مهارت و یا حرفه‌ای را دنبال کنید که با شما هماهنگی بیش‌تری دارد و از آن لذت می‌برید.

شما مجبور نیستید کاری را که دوست ندارید انجام دهید و نباید آن کار را انجام دهید، مگر این که از آن به صورت ابزاری در جهت انجام کار مورد علاقه‌ی خود استفاده کنید. اگر به خاطر اشتباهات گذشته و پیامدهای آن در محیط یا تجارتي نامطلوب قرار دارید و مجبور خواهید بود تا مدت زمانی به کاری که علاقه ندارید ادامه دهید، می‌توانید با علم به این که تجارت کنونی شما این امکان را برای تان فراهم خواهد کرد که به انجام آن کار مورد علاقه‌ی خود نزدیک‌تر شوید، انجام آن کار را لذت‌بخش خواهید کرد. اگر احساس می‌کنید حرفه‌ی مناسبی ندارید، در پا گذاشتن به حرفه‌ی دیگر عجله نکنید. معمولاً بهترین راه تغییر شغل و یا محیط کاری، رشد و ترقی در همان شغل کنونی است.

در صورتی که فرصتی در مقابل تان قرار دارد، از تغییر سریع و ناگهانی نهراسید و هنگامی که پس از بررسی دقیق به این نتیجه رسیدید که فرصتی مناسب در اختیار دارید، تا زمانی که از لحاظ عقلانی تردید دارید عجله و ناگهانی اقدام نکنید. در چارچوب خلاق عجله معنایی ندارد و هیچ‌گاه کمبود فرصت پیش نخواهد آمد. با کنار گذاشتن ذهن رقابتی می‌فهمید که به اقدام عجله‌ناهی نیازی نیست.

در ذهن خلاق کسی در صدد شکست دادن شما نیست. برای همه، جا و محیط و فضای کافی به اندازه‌ی کافی موجود است. اگر فضایی اشغال شود، به زودی فضایی بهتر در مقابل شما گشوده خواهد شد.

زمان فراوانی در اختیار شما است. هنگام دودلی و شک، صبور باشید. به تصویر ذهنی خود نظر عمیقی بیاندازید و هدفمندی ایمان خود را تقویت کنید. در زمان‌های شک و تردید با تمامی وجود سپاس‌گزار خداوند باشید. یکی دو روز را صرف تعمق بر تصویر ذهنی

خود کنید و خالصانه به خاطر این که به خواسته‌های خود رسیده‌اید، خداوند را شکر کنید. با این کار ذهن شما در چنان ارتباط نزدیکی با شعور کیهانی قرار می‌گیرد که شما هنگام اقدام مرتکب هیچ خطایی نخواهید شد.

ذهن شما هر آن چه را که باید می‌شناسد و شما با ایمان راسخ و هدفمندی در دست یابی به اهدافتان در جهت رسیدن به یک حیات کامل با سپاس‌گزاری عمیق قلبی می‌توانید به وحدت کامل با این ذهن برسید. با ادامه‌ی رفتار به شیوه‌ای خاص فرصت‌های روزافزونی به شما روی خواهند آورد و در ایمان و هدف خود استوار و راسخ بمانید. هم‌چنین با سپاس‌گزاری خالصانه در نزدیکی و ارتباط عمیق با خداوند قرار بگیرید. هر روز کارهای آن روز را به طور دقیق و کامل و فارغ از ترس و نگرانی و عجله انجام دهید. با سرعت تمام به جلو حرکت کنید، اما هرگز عجله نکنید. به خاطر داشته باشید:

به محض این که در انجام کاری عجله کنید، شما دیگر آفریننده و خالق نخواهید بود و به رقیبی تبدیل می‌شوید که دوباره به چارچوب رقابتی سقوط خواهد کرد.

هرگاه خود را در حال عجله یافتید، لحظه‌ای درنگ کنید، توجه خود را به تصویر ذهنی خواسته‌هایتان معطوف سازید و به خاطر به دست آوردن آن‌ها شکرگزار باشید. تلاش در جهت شکرگزاری همیشه ایمان‌تان را تقویت می‌کند و هدف شما را دوباره سازی می‌کند.

رشد و پیشرفت

این ابتدایی‌ترین انگیزه در کائنات است. تمام فعالیت بشر بر پایه‌ی تصور پیشرفت و رشد شکل گرفته است. مردم غذای بیش‌تری طلب می‌کنند. لباس‌های بیش‌تر، سرپناه بهتر، تجملات بیش‌تر، زیبایی بیش‌تر، دانش بیش‌تر، لذت بیش‌تر و افزایش در همه چیز را هر موجود زنده‌ای ضرورت برای ادامه‌ی زندگی و تکامل را درک می‌کند.

زمانی که پیشرفت و رشد از زندگی حذف می‌شود، مرگ و نابودی در همان لحظه به زندگی اضافه می‌شود. انسان‌ها به طور طبیعی این را می‌دانند و اجبار خود را برای درخواست بیش‌تر حس می‌کنند. این قانون توسط عیسی مسیح (ع) در تمثیل با ذوقی بیان شده است.

تنها از کسانی که نفع بیش‌تری می‌رسانند، توانگری و آن چه را که دارند گرفته نمی‌شود.

اگر قدر موقعیتی را که در اختیار شماست ندانید، آن را از دست خواهید داد. نیاز طبیعی رشد و ارتقاء یک فکر شیطانی و کار غلطی نیست، بلکه تصویری الهی برای زندگی فراوان‌تر است. این مانند تنفس ضروری است، زیرا این عمیق‌ترین غریزه در طبیعت ما است. تمام انسان‌ها چه زن و چه مرد دوست دارند با کسانی در ارتباط باشند که معنای بیش‌تری از زندگی را به آن‌ها ارزانی دارند.

تفاوتی نمی‌کند کار شما کوچک باشد، حقیر باشد و یا هرچیز دیگر. حتی اگر کارتان فروختن آب نبات به کودکان باشد، در کارتان افکار بهبود، رشد و ارتقاء را وارد کنید و مطمئن شوید این فکر به مشتری شما هم القاء می‌شود. فشار و نیاز به تکامل را، حتی در هر

کار کوچکی که انجامش می‌دهید رعایت کنید. در این صورت همه‌ی مردم این موضوع را که شما یک انسان تکامل یافته هستید، دریافت می‌کنند و شما باعث رشد هر کسی می‌شوید که با شما سروکار دارد.

شما باید این احساس را به دیگران القاء کنید که در صورت ارتباط با شما خودشان هم ارتقاء می‌یابند. شما به آن‌ها چیز با ارزش تری نسبت به آن‌چه که از آن‌ها دریافت می‌کنید، بدهید. در این مورد با خودتان قراری بگذارید و بگذارید همه آن را بدانند و خواهید دید که بعد از آن شما هرگز کمبود ارباب رجوع نخواهید داشت. مردم به سوی جایی می‌روند که باعث رشد و ارتقاء آن‌ها می‌شود. مردم ناخواسته به سوی شما حرکت می‌کنند، حتی کسانی که هرگز راجع به شما نشنیده بودند. شغل و بازرگانی، شما را به سرعت با مراجعه‌ی خود رشد خواهند داد و شما از موفقیت‌های غیره منتظره‌ای که به سوی شما می‌آیند، شوکه می‌شوید.

شما روز به روز در ساختن ترکیب‌ها موفق‌تر می‌شوید و در تکامل بیش‌تر به سوی مکان و موقعیت بهتر رهسپار می‌شوید، البته اگر آن را از قبل تصور کرده باشید. اما انجام تمام این‌ها نباید باعث شود که هرگز تصویر ذهنی خود را از آن‌چه می‌خواهید از دست بدهید. ایمان و اعتقاد راسخ خود را به این‌که آن‌چه را که می‌خواهید دریافت خواهید کرد، از دست ندهید.

بگذارید یک هشدار مهم در هدایت حرکت‌هایتان بدهم. خود را از این وسوسه که قدرت را از دیگری طلب کنید، برحذر دارید. هیچ چیز برای ذهن تکامل یافته عجیب و غیر ممکن نیست، پس نخواهید قدرت را از دیگران گدایی کنید. قانون اصلی جهان تصور خشنودی برای کل دنیا است. سالیان متمادی پادشاهان و بزرگان در جهان با ظلم بر مردم حکومت می‌کردند تا حکومت خود را گسترش دهند. آن‌ها نمی‌خواستند دیگران پیشرفت کنند. آن‌ها قدرت را از مردم می‌دزدیدند. امروزه حرکت اساسی جهان در بازرگانی و صنایع یکسان است. مردم دلارهای خود را رهبری می‌کنند و کسانی را که می‌خواهند به دیگران تسلط داشته باشند، دور می‌اندازند.

وسوسه‌ی قدرت را رها کنید تا برتری یابید. برای این‌که بالاترین باشید، باید خدمتگزار دیگران باشید. {عیسی مسیح (ع)} ذهنی که خواهد بر دیگران ریاست کند، ذهن رقابتی است و ذهن رقابتی ذهن خلاق نیست. نخواهید که به محیط و اطرافیان خود حکومت کنید. زمانی که شما با تلاش جهان به جایگاه بالاتری دست می‌یابید، به محیط و اطرافیان تسلط خواهید داشت. از ذهن رقابتی دست بردارید. هیچ موقعیتی بهتر از یک عمل خلاقانه در آینده برای شما کاربرد نخواهد داشت. و در آخر قانون طلایی را به یاد بیاورید.

آن‌چه را که من برای خود می‌خواهم، برای دیگران هم می‌خواهم.

انسان در حال پیشرفت

موارد مطرح شده در فصول پیشین در همه‌ی افراد صادق است و فرقی نمی‌کند که این افراد حقوق‌بگیر هستند یا در حرفه و تجارتی مشغول بکارند. فرقی نمی‌کند شما پزشک باشید یا معلم و یا روحانی. اگر بتوانید در مسیر رشد دیگران قدم بردارید و آن‌ها را با این واقعیتِ رشددهنده آشنا کنید، آن‌ها را به سوی خود جذب خواهید کرد و در نتیجه ثروتمند خواهید شد.

پزشکی که تصویر ذهنی‌اش تصویر یک شفادهنده‌ی موفق و بزرگ است، با کمال ایمان و هدفمندی گام برمی‌دارد تا به آن تصویر ذهنی خود برسد. با توجه به مطالب مطرح شده در فصول پیشین، آن‌چنان به منبع حیات نزدیک خواهد شد که بدون شک موفق خواهد شد و بیماران گروه‌گروه به او روی خواهند آورد. هر پزشکی بدون توجه به مکتبی که به آن تعلق دارد، می‌تواند از آموزه‌های این کتاب به بهترین شکل ممکن بهره بگیرد. زیرا که اصول شفادهی در همگان یکسان عمل می‌کند و همه می‌توانند به نحوی یکسان به آن‌ها دست یابند.

پزشک موفق‌تری که از خود در ذهن‌اش تصویر ذهنی فردی موفق می‌پروراند و از قوانین ایمان تبعیت می‌کند، با هدفمندی و سپاس‌گزاری از خدا می‌تواند هر بیمار قابل درمانی را بدون توجه به این‌که از کدام دارو استفاده می‌کند درمان کند. در حوزه‌ی مذهب نیز جهان‌تشنه‌ی آن روحانیونی است که بتوانند در موعظه‌های خود علم حقیقی یک زندگی پُر بار و غنی را به مردم بیاموزند.

افرادی که در کنار دانش خود در علوم دیگر بر جزئیات علم ثروت اندوزی تسلط دارند، با بزرگ منشی و عشق ورزی می‌توانند جزئیات این علم را آموزش دهند و هرگز دچار از هم گسستگی نشوند. این همان سرود مذهبی است که جهان به آن نیاز دارد و جهان را در مسیر رشد قرار می‌دهد. به آن گوش خواهند داد و از آن فردی که این اعتقادات را به آن‌ها آموزش داده است، قاطعانه حمایت خواهند کرد.

نیاز کنونی جامعه‌ی ما تجلی علم حیات از مسیر آموزه‌های مذهبی است. واعظانی می‌خواهیم که نه تنها از چگونگی برای ما سخن بگویند، بلکه خود بتوانند آن چگونگی را در عمل به ما نشان دهند. ما به واعظانی ثروتمند، سالم، بزرگوار و محبوب نیاز داریم تا کسب این ویژگی‌ها را به ما آموزش دهند و هنگام موعظه‌ی پیروان وفادار فراوانی را جذب کنند. همین مطلب درباره‌ی آن معلمی که می‌تواند انگیزه‌ی حیات رو به رشد را با ایمان و هدفمندی به کودکان منتقل کند، صادق است. او هرگز بیکار نخواهد شد.

تمامی مواردی که در باره معلم، واعظ و پزشک صحت دارد. در مورد وکیل، دندانپزشک، معاملات املاک، کارگزار بیمه و همه و همه صدق می‌کند. اقدام فردی را نمیتوان از اقدام ذهنی تفکیک کرد. و درجائیکه اقدام فردی با اقدام ذهنی هم راستا باشد، شکست معنایی نخواهد داشت.

زن و مردی که این دستورالعمل را بطور پیوسته و با جدیت و اصرار موبه مو اجرا کند، ثروتمند خواهند شد. قانون حیات روبه رشد در هنگام عمل مانند یک قانون ریاضی و یا قانون جاذبه زمین دقیق عمل می‌کند. هر فرد حقوق‌بگیر از اجتماع این موضوع را در مورد خود صادق خواهد دید. اگر در جایی کار می‌کنید، که بدلیل دستمزد پائین و هزینه‌های بالای زندگی هیچ فرصتی را برای ثروتمند

شدن نمی یابید. تصویر ذهنی روشن و پرجزئیاتی ازخواستۀ خود را شکل دهید. و با ایمان هدفمندی اقدام کنید. هر روز تمام آن کارهایی را که می توانید، انجامش دهید را به شکلی کاملاً دقیق و با موفقیت انجام دهید.

از نیروی حاصل از آن موفقیت های کوچک و هدفمند خود در هر کاری که انجام می دهید، در جهت ثروت اندوزی استفاده کنید. اما این کار در جهت رضایت کارفرمای خود و به این امید که کار خوب شما را دیده و شما را ارتقاء دهد، انجام ندهید. زیرا کارفرمای شما این کار را نخواهد کرد.

کارگر یا کارمندی که وظیفه خود را بخوبی انجام میدهد و تمام توانائیش را بکارگرفته و از کار خود راضی است از نظر کار فرما یش فرد ارزشمند در موقعیت کنونی اش می باشد. و ترفیع او بسود کارفرما نیست. او در جایگاه کنونی خود ارزشمند تر است.

سعی نکنید صرفاً" به خاطر خوشنودی کارفرما کار کنونی خود را به بهترین نحو انجام دهید. بلکه با این عقیده که می خواهید، خودتان رشد و ترقی کنید، این کار را انجام دهید. در خلال ساعات کاری بیش از آن و پس از آن ایمان و هدفمندی خود را حفظ کنید

اگر به شیوه ای خاص عمل کنید، خداوند قطعاً" به شما کمک می کند. زیرا کمک به رشد شما در واقع کمک به رشد در راستای خواسته های خداوند است. موقعیت و یا شرایط کنونی شما و یا جامعه صنعتی نمی تواند، شما را از تلاش باز دارد.

اندیشیدن و اقدام به شیوه ای خاص را آغاز کنید. ایمان و هدفمندی چشمان شما را در دیدن فرصتها بیناتر می کند. فرصتهای مناسب خیلی زود در دسترس شما قرار خواهند گرفت. زیرا که خدای متعال در همه جا حاضر و ناظر است. و فرصتها را در اختیارتان قرار می دهد. انتظار نداشته باشید، که از همان ابتدا فرصت ایده آلی در مقابل شما قرار داده شود. از فرصتهای بسیار کوچکی که در راستای رسیدن به خواسته هایتان کمک تان می کند، آغاز کنید.

از فرصتهایی که درونتان به آنها تمایل دارد، آغاز کنید. این نخستین گام در جهت رسیدن به فرصتی بزرگتر است. در کائنات برای انسانی که یک زندگی در حال رشد را تجربه می کند، هرگز کمبود فرصت وجود نخواهد داشت. در خلقت جهان همه چیز در خدمت انسان قرار داده شده است. و همه کائنات و موجودات و همه چیز در خدمت انسانی هستند، که به شیوه ای خاص تفکر و اقدام می کند. این فرد مطمئناً" باید ثروتمند شود. زنان و مردان حقوق بگیر و کم در آمد باید این کتاب را با دقت فراوان بخوانند. و با ایمان و اعتقاد کامل به دستورهای آن عمل کنند. آموزه های این کتاب شکست ناپذیر هست.

باورهایی که شما را ثروتمند می کند

ناهنجاری‌های روانی بسیاری توسط روانشناسان و روانکاوان شناسایی شده است. آیا ممکن است نوعی ناهنجاری روانی مرتبط با پول و ثروت هم وجود داشته باشد که مانع کسب ثروت شود. به نظر می‌رسد که چنین مشکلی وجود دارد هرچند که ممکن است هنوز در لیست ناهنجاری‌های روانی کتاب‌های درسی روانشناسی موجود نباشد. بنابراین لازم است که به روانکاو پولی خود بپردازیم. این مقاله اطلاعاتی بسیار ارزشمند در رابطه با باورهای مرتبط با پول و ثروت را شامل می‌شود. تا وقتی که باورهای ما در مورد ثروت مثبت و قدرتمند نباشد تلاش‌هایمان نتایج دلخواه را به بار نخواهد آورد.

باورها و افکار قدرت زیادی دارند. افکار ما احساساتمان را می‌سازند. احساسات، رفتار ما را رقم می‌زنند و رفتار ما نتایج را به وجود می‌آورد. این مکانیسم خلق هر چیزی در زندگی ماست. هر فرآیند خلاقه‌ای از افکار و باورها آغاز می‌شود. نتایجی که در زندگی به دست آورده‌ایم در واقع نمایانگر افکار و باورهای غالب در ذهن ماست. پس برای تغییر نتایج باید باورهایی را که علت آن نتایج بوده‌اند تغییر دهیم. برخی باورها به پول و ثروت سرشار منتهی می‌شوند و برخی دیگر به بی‌پولی و فقر.

تی. هارو اگر در کتاب اسرار ذهن ثروتمند هفده باوری را که بین فقرا و ثروتمندان تمایز ایجاد می‌کند مطرح کرده است. این نوشته یک مقایسه میان آدم‌های فقیر و ثروتمند نیست بلکه فقط به مقایسه باورهایی که منجر به فقر یا ثروت می‌شود، می‌پردازد. زمانی درجایی دو جمله قابل تامل در مورد فقر و فقرا خواننده بودم:

فقرا را دوست بدار اما از فقر بیزار باش.

بهترین کاری که برای فقرا می‌توانید بکنید این است که سعی کنید یکی از آنها نباشید.

این باورها ممکن است ساده به نظر برسند اما وقتی در ذهن ناخودآگاه ما تثبیت شوند قدرت معجزه‌آسایی پیدا می‌کنند. باهم این باورها را مرور می‌کنیم:

۱- آدم‌های ثروتمند معتقدند: من، زندگی خویش را خودم می‌سازم.

آدم‌های فقیر معتقدند: زندگی برای من تصادفی پیش می‌آید.

اگر طالب به دست آوردن ثروت هستید، اعتقاد داشتن به این مسئله که عنان زندگی و به‌ویژه فرمان وضعیت مالی زندگی در دستان خود شما قرار دارد، خیلی مهم است. آیا به این مسئله دقت کرده‌اید که معمولاً این آدم‌های فقیر و بی‌پول هستند که بخت خود را در قرعه‌کشی‌ها می‌آزمایند؟ آن‌ها در واقع به این اعتقاد دارند که پول از طریق شانس و افتادن قرعه به نامشان به آن‌ها می‌رسد.

۲- آدم‌های ثروتمند با پول، باهدف برنده شدن بازی می‌کنند.

آدم‌های فقیر با پول، باهدف بازنده نشدن بازی می‌کنند.

اولین هدف بیشتر آدم‌ها از بازی با پول به جای به وجود آوردن ثروت و برکت، زنده ماندن و امنیت خاطر است. هدف آدم‌هایی که به معنای واقعی ثروتمند هستند، داشتن دارایی و خیروبرکت زیاد است، نه به مقدار کم، بلکه مقدار زیادی از پول، ثروت و برکت.

۳- آدم‌های ثروتمند متعهد به ثروتمند شدن هستند.
آدم‌های فقیر آرزومند ثروتمند شدن هستند.

۴- ثروتمندان بزرگ می‌اندیشند.
فقرا محدود می‌اندیشند.

بیشتر مردم در بازی زندگی، بازی کوچک را انتخاب می‌کنند. چرا؟ اول به خاطر ترس. آن‌ها شکست را با مرگ برابر می‌بینند و حتی از موفقیت بیشتر، گریزانند. دوم اینکه آن‌ها به خاطر احساس کوچکی که می‌کنند، بازی کوچک را انتخاب می‌کنند. آن‌ها احساس بی‌لیاقتی می‌کنند و این احساس را در خود ندارند که به اندازه کافی خوب و مهم هستند، تا تفاوتی واقعی را در زندگی خود و دیگران ایجاد کنند.

زندگی کوتاه‌تر از آن است که کوچک باشیم. دیزرائیلی

۵- آدم‌های ثروتمند بر روی فرصت‌ها تمرکز می‌کنند.
آدم‌های فقیر بر روی موانع تمرکز می‌کنند.

۵- آدم‌های ثروتمند، آدم‌های ثروتمند و موفق را ستایش می‌کنند.
آدم‌های فقیر، از آدم‌های ثروتمند بیزار و متنفرند.
اجازه بدهید واضح بگویم: نود و هشت درصد از مردان و زنان ثروتمند، انسان‌های شریفی هستند و به همین دلیل است که ثروتمند هستند. به همین دلیل است که آن‌ها به پول اعتماد دارند و به همین دلیل است که آن‌ها شرکت‌های بزرگی را تشکیل داده و زمینه اشتغال هزاران نفر را فراهم کرده‌اند. پول قدرت می‌آورد و شما باید آن را به دست آورید! باید. چون اگر آدم خوبی باشید، با داشتن آن، کارهای خوب بیشتری می‌توانید انجام دهید.

۷- آدم‌های ثروتمند با آدم‌های مثبت و موفق معاشرت می‌کنند.
آدم‌های فقیر با آدم‌های منفی و یا شکست‌خورده معاشرت می‌کنند.
افراد موفق به افراد موفق دیگر نگاه می‌کنند، تا در خودشان ایجاد انگیزه کنند. آدم‌های ثروتمند از اینکه دیگران در موفقیت پیش‌قدم شده‌اند خوشحال‌اند، چون می‌توانند اکنون و بر اساس تجارب آن‌ها، طرحی را برای خود بریزند که دستیابی آن‌ها را به موفقیت آسان‌تر می‌نماید.

۸- آدم‌های ثروتمند مشتاق تبلیغ کردن خود و ارزش‌هایشان هستند.
آدم‌های فقیر اشتیاقی به تبلیغ ندارند.

تندر از تبلیغ کردن یکی از بزرگ‌ترین موانع بر سر راه موفقیت است. افرادی که در رابطه با تبلیغ کردن از خودشان مشکل دارند، معمولاً ورشکسته هستند. اگر مردم از کالا، خدمات یا توانایی‌های شما بی‌خبر باشند طبیعی است که سراغ شما نخواهند آمد.

۹- آدم‌های ثروتمند از مشکلات خودشان بزرگ‌تر هستند.

آدم‌های فقیر از مشکلات خود کوچک‌تر هستند.

اگر در زندگی مشکل بزرگی دارید، معنی آن این است که شما شخص کوچکی هستید. دنیای بیرون شما دقیقاً انعکاسی از دنیای درون شماست. اگر می‌خواهید که تغییری همیشگی در خود بدهید دست از تمرکز کردن روی اندازه مشکل برداشته و به جای آن تمرکز کردن روی اندازه خودتان را شروع کنید! بزرگی شما به اندازه بزرگی رویاهای شماست.

۱۰- ثروتمندان گیرنده‌هایی عالی هستند.

فقیران گیرنده‌هایی ضعیف هستند.

به همان اندازه که می‌بخشید باید دریافت کنید. بسیاری افراد به دلیل احساسات خودکم‌بینی و نالایق دانستن خود در گرفتن مشکل دارند. اگر نمی‌خواهید سهم خودتان را از دنیا بگیرید، آن نصیب کسی می‌شود که می‌خواهد بگیرد.

۱۱- آدم‌های ثروتمند ترجیح می‌دهند تا بر اساس دستاوردها به آن‌ها پول پرداخت شود.

آدم‌های فقیر ترجیح می‌دهند تا بر اساس زمان به آن‌ها پول پرداخت شود.

درآمد ثابت داشتن مشکلی ندارد، مگر اینکه با توانایی شما برای به دست آوردن آنچه که ارزشش را دارید، تداخل کند و معمولاً در این جاست که مشکل به وجود می‌آید. فقیران ترجیح می‌دهند که یک مستمري و درآمد ثابتی به آن‌ها پرداخت شود. ثروتمندان ترجیح می‌دهند، بر اساس نتایجی که کسب می‌کنند، به آن‌ها پول پرداخت شود. ثروتمندان به خودشان معتقدند. به ارزش و توانایی خود برای بروز دادن آن‌ها ایمان دارند، اما فقیران چنین نیستند. به همین خاطر است که آن‌ها نیاز به تضمین دارند.

۱۲- ثروتمندان به «هر دو» می‌اندیشند.

فقیران به «یا این، یا آن» می‌اندیشند.

ثروتمندان در دنیای پربرکت و فراوانی و نعمت زندگی می‌کنند، اما فقیران در دنیای محدودیت‌ها به سر می‌برند. افراد فقیر و متوسط از جنس کمبود هستند. آنها فکر می‌کنند که از بین شغل خوب یا ارتباط خوب با خانواده، از بین ثروت و معنویت، از میان اشتغال به کار و تفریح حتماً باید یکی را انتخاب کنند. ثروتمندان می‌دانند که با کمی خلاقیت می‌شود تقریباً همیشه می‌توان راهی را برای داشتن هر دو آن‌ها پیدا کرد. ثروتمندان معتقدند شما، هم می‌توانید کیک داشته باشید و هم از خوردن آن لذت ببرید. افراد متوسط و فقیر معتقدند یک کیک خیلی زیاد است، پس من فقط یک برش از آن را می‌خواهم.

۱۳- آدم‌های ثروتمند روی ارزش خالص دارایی خود تمرکز می‌کنند.

آدم‌های فقیر روی درآمد شغلی خودشان تمرکز می‌کنند.

میزان صحیح برای ثروت، ارزش دارایی خالص است نه درآمد شغلی. چهار عاملی که نقش تعیین کننده در ارزش خالص دارایی دارند عبارتند از: درآمد، پس انداز، سرمایه گذاری و ساده زیستی.

۱۴- آدم‌های ثروتمند پولشان را خوب اداره می‌کنند.

آدم‌های فقیر پولشان را بد اداره می‌کنند.

روش اداره کردن پول از مبلغ پول مهم‌تر است. تا نشان ندهید که آنچه را که دارید می‌توانید حفظ کنید، مورد بیشتری را به دست نخواهید آورد. یا شما پول را به کنترل خود درآورید، یا پول شما را به کنترل خود در خواهد آورد.

۱۵- آدم‌های ثروتمند پول خود را می‌دهند تا برای آن‌ها شدیداً کار کند.

آدم‌های فقیر شدیداً برای پول خودکار می‌کنند.

افراد ثروتمند هر دلار را به منزله یک بذر می‌دانند که می‌تواند برای برداشت صد دلار کاشته شود که آن هم می‌تواند برای برداشت هزار دلار دوباره کاشته شود.

۱۶- آدم‌های ثروتمند برخلاف ترسی که دارند، دست به عمل می‌زنند.

آدم‌های فقیر به ترس خود اجازه می‌دهند که متوقفشان کند.

میلیون‌ها نفر از مردم در مورد ثروتمند شدن، فقط «فکر» می‌کنند و هزاران هزار نفر ثروتمند شدن را تجسم، تصور یا مراقبه می‌کنند. تجسم‌ها، تصویرها و دعاها و مدیتیشن‌ها ابزارهای جالبی هستند اما هیچ کدام از آن‌ها سر خود پولی واقعی را به دنیای حقیقی شما نخواهند آورد. در دنیای واقعی باید دست به اقدام بزنیم. فرآیند تجلی هر خواسته از افکار شروع شده تبدیل به احساسات می‌شود. احساسات منجر به اعمال گشته و اعمال باعث خلق نتایج می‌شود. افکار و احساسات بخشی از دنیای درونی هستند و اعمال و نتایج بخشی از دنیای بیرونی. اقدام و عمل پلی است بین دنیای درونی و دنیای بیرونی. باید علیرغم ترس دست به عمل بزنید.

۱۷- آدم‌های ثروتمند همیشه در حال رشد کردن و یادگرفتن هستند.

آدم‌های فقیر، فکر می‌کنند که همه موارد را می‌دانند.

اگر شما دائماً در حال یادگیری نباشید، عقب خواهید ماند. موفقیت یک مهارت یادگرفتنی است. می‌توانید موفق شدن در هر موردی را بیاموزید. مهم نیست که اکنون در چه مرحله‌ای هستید. هر استادی زمانی ناشی بوده است. سریع‌ترین راه برای ثروتمند شدن و ثروتمند ماندن کار کردن بر روی توسعه دادن خودتان است. دنیای بیرون شما دقیقاً انعکاسی از دنیای درون شماست. شما ریشه هستید نتایج شما میوه‌ها هستند.

آدم‌های ثروتمند جهت موفقیت را این‌چنین می‌دانند: باش، انجام بده، داشته باش .

آدم‌های متوسط و فقیر جهت موفقیت را این‌چنین می‌دانند: داشته باش، انجام بده، باش.

آدم‌های فقیر و طبقه متوسط، معتقدند که: اگر من پول هنگفتی داشته باشم، می‌توانم آنچه را که می‌خواهم انجام بدهم و آدم موفق بشوم.

آدم‌های ثروتمند معتقدند: اگر من یک فرد موفق بشوم قادر خواهم بود آنچه را که نیاز دارم انجام بدهم و آنچه را که می‌خواهم از جمله پول، داشته باشم.

ثروتمندان واقعی می‌دانند که: هدف از ایجاد ثروت اساساً پول هنگفت داشتن نیست، بلکه کمک به رشد دادن خود می‌باشد که تا به بهترین فردی که ممکن است تبدیل شوید. برای اینکه به بهترین وجه به شما دستمزد پرداخت شود، شما باید بهترین باشید.



قوانین ذهن ثروتمند

قوانین طلایی وجود دارند که به شما ثابت می‌کند ثروتمند شدن حق شماست و هیچ کس نمی‌تواند این حق را از شما بگیرد. فقط کافی است آنها را بشناسید و باور کنید، پس از اجرای باورهایتان می‌توانید از ثروتی که کسب کرده‌اید لذت ببرید. هر وقت، هر کجا، هر کس از شما سوال کرد "ثروت بهتر است یا ...؟" شما بدون هیچ نوع خجالت، رودربایستی و درگیری درونی برای حفظ وجهه خودتان، سریع بگویید ثروت. اجازه بدهید حق آن گونه که وجود دارد در مورد شما اجرا شود و با کلامتان مانع آن نشوید.

نه کسی شانسی ثروتمند می‌شود و نه کسی شانسی ثروت خود را از دست می‌دهد. این موضوع بیانگر این مطلب است که ثروتمند شدن نیز مثل رسیدن به هر خواسته دیگری در این دنیا برای خود مراحل دارد، و فقط کسانی که از این موضوع باخبرند می‌توانند به ثروتمند شدن خود امید داشته باشند.

این مراحل عبارتند از:

۱- ناپرده رنج گنج میسر نمی‌شود:

برای ثروتمند شدن باید تلاش کرد. اینکه دوست داشته باشید ثروتمند شوید با اینکه بخواهید واقعا انسان ثروتمندی شوید متفاوت است. رسیدن به استقلال مالی شانسی نیست، برای رسیدن به استقلال مالی باید نهایت تلاش خود را بکنید. فراموش نکنید که ناپرده رنج گنج میسر نمی‌شود. اگر بخواهید که به ثروت برسید باید سختی‌های آن را تحمل کنید. معمولا انسانهای که هدف والایی در سر ندارند با کوچکترین سختی‌ها دست از تلاش خود بر می‌دارند ولی اگر بتوانید سختی‌ها را تحمل کنید به زودی به هدف خود می‌رسید. توجه داشته باشید که همه کسانی که در زندگی موفق می‌شوند، ممکن است در شروع با دشواری روبه‌رو شده و مجبور باشند که به تلاشی نومید کننده دست بزنند. باید مشکلات و سختی‌ها را پشت سر بگذارید تا بتوانید به هدف خود برسید. هنگامی که توماس ادیسون تصمیم گرفت تا لامپ را اختراع کند در اولین تلاش خود موفق به ساخت آن نشد. او مصمم شد که به رویای خود جامه عمل بپوشاند و با آنکه بیش از هزار بار شکست خورد، آنقدر ایستاد تا موفق گردید.

۲- ارزش پول خود را بدانید:

قدر پول خود را بدانید و آنرا بیهوده خرج نکنید. اکثر انسانها اصلا کنترلی بر نحوه پول خرج کردن خود ندارند و بدون هیچ تفکری کورکورانه پول خرج می‌کنند. اگر می‌خواهید ثروتمند شوید باید بدانید که کی و کجا پول خرج کنید. در هیچ مدرسه‌ای یا هیچ دانشگاهی اصول ثروتمند شدن را تدریس نمی‌کنند شما این اصول را فقط از طریق رفت و آمد در جامعه و مطالعه درباره زندگی ثروتمندان جهان به دست می‌آورید. برای اینکه بتوانید بر روی منابع مالی زندگی خود تسلط داشته باشید باید بهترین راه استفاده کردن از پولتان را بدانید. سعی کنید از تجربیات دیگران استفاده کنید و اشتباهاتی را که آنها مرتکب شدند را مرتکب نشوید.

۳- ارباب پول خود باشید:

آیا تا بحال فکر کرده اید که به چه دلیلی پول خرج می کنید؟ شما به چهار طریق از پول خود استفاده می کنید. ۱- آنرا خرج می کنید. ۲- پس انداز می کنید. ۳- سرمایه گذاری می کنید. ۴- یا اینکه پول خود را می بخشید. سوالی که ممکن است شما از خودتان پرسید این است که چطور می توانید خلاقانه پول خرج کنید، یعنی هم خوب خرج کنید و هم خو پس انداز کنید؟ برای رسیدن به جواب این سوال قبل از هر چیز باید مشخص کنید که شما چه نوع پول خرج کنی هستید؟ برای بعضی ها پول خرج کردن به نوع تفریح است، بعضی ها هم برای پز دادن پول خرج می کنند. حتی ممکنه آدمهایی هم پیدا بشن که به پول خرج کردن معتاد شده باشند. به هر حال و به هر دلیلی که پول خرج می کنید فراموش نکنید که برای ثروتمند شدن باید ارباب پول خود باشید و به اون اجازه ندید که هر کاری دوست داره بکنه.

۴- اهدافتان را مشخص کنید:

برای رسیدن به موفقیت باید هدف داشته باشید و برای رسیدن به آن از هیچ تلاشی مضایقه نکنید. اگر شما می خواهید به ۱۰۰ میلیون تومان ثروت برسید باید به اندازه ۱۰۰ میلیون تومان تلاش کنید. مهمترین مرحله در راه رسیدن به ثروت داشتن یک برنامه اصولی و کاربردی است. هدفی را که برای خود در نظر می گیرید باید قابل دسترسی باشد. نباید کورکورانه و بدون هیچ برنامه ریزی قبلی و سنجیدن تمام شرایط اقدام به برنامه ریزی مالی کنید. مثلا تا هنگامی که شما بدهکاریهای زیادی دارید نباید تصمیم بگیرید که پس انداز کنید. اولین برنامه شما باید برای صاف کردن قروض شما باشد.

۵- صرفه جویی کنید:

آیا اشخاص ثروتمند مادرزاد ثروتمند به دنیا می آیند؟ اگر جواب شما به این سوال نه می باشد پس چرا شما ثروتمند نمی شوید؟ راز میلیونر شدن بیشتر ثروتمندان جهان صرفه جویی کردن است. اگر شما هم می خواهید به ثروت مورد نظر خود برسید باید بدانید که دیگران از چه روشهای استفاده کردند، شما هم بسته به موقعیت تان همان اصول را در زندگی شخصی خود بکار بگیرید. برای صرفه جویی کردن هیچ محدودیت خاصی وجود ندارد، ضمنا صرفه جویی منحصر محدود به پول نمی شود. شما حتی می توانید در زمان خود صرفه جویی کرده و از ساعاتی که از این طریق نصیب شما می شود برای افزایش در آمد زندگی خود استفاده کنید.

۶- پس انداز کنید:

پس انداز کردن یک راه میانبر برای رسیدن به ثروت است. هرچقدر که بتوانید بیشتر پس انداز کنید بهتر می توانید جلوی خروج پولتان را بگیرید. میزان پس انداز ربطی به مقدار درآمد شما ندارد. راههای زیادی برای پس انداز کردن وجود دارد، شما باید آگاهانه و

نه کورکورانه پس انداز کنید. قبل از اینکه تصمیم به پس انداز بگیرید باید از مفهوم صحیح و درست آن باخبر باشید. اشخاصی وجود دارند که به دلیل نداشتن مفهوم صحیح پس انداز خود و خانواده خود را از ساده ترین لذتها محروم می سازند و به این ترتیب شادی و آسایش را از کانون خانواده خود دور می کنند. اگر شما با همسر خود درباره پس انداز تفاهم نداشته باشید تلاش شما نتیجه موثری نخواهد داشت. شرط موفقیت در پس انداز رسیدن به یک تفاهم مشترک میان زوجین است.

۷- از پول خود برای کمک به دیگران استفاده کنید:

سرمایه گذاری ، پس انداز و صرفه جویی کردن تنها راههای درست استفاده از پول نیستند. بهترین نحوه استفاده از پول آن است که نه تنها از طریق آن به رشد اقتصاد جامعه کمک کرده بلکه از پول خود برای کمک به دیگران نیز استفاده کنید. علت اینکه بیشتر مردم ثروتمند نمی شوند این است که از آن فقط به نفع خودشان استفاده می کنند و برای کمک مالی به دیگران ارزشی قائل نیستند. پول تان را ببخشید، با دیگران قسمت کنید و از آن برای کمک به دیگران استفاده کنید. هنگامی که شما از پول تان به نحو متفاوتی استفاده کرده و از برای کمک به دیگران استفاده می کنید، فرصت های بیشتری از طریق خداوند در اختیار شما قرار می گیرد. خودخواه بودن و حریص بودن باعث پولدار شدن شما نمی شود ولی سرمایه گذاری در روابط اجتماعی تان می تواند باعث ثروتمند شدن شما بشود.



هوش مالی تان را تقویت کنید

هوش مالی بخشی از هوش شماسست که می‌تواند موضوعات مربوط به مسائل و مشکلات مالی تان را شناسایی و آن را حل کند. نمونه‌های ساده‌ای از این مشکلات که این هوش قادر به رفع آن است شامل نداشتن درآمد کافی و پیدا کردن راهکارهایی برای درآمدزایی بیشتر، بدهی‌های زیاد، داشتن پول و ناآگاهی برای استفاده مفید از آن است.

نمی‌توانیم این حقیقت را انکار کنیم که برای رفع نیازهای اولیه زندگی مان به پول احتیاج داریم و به همین دلیل نظم دادن به امور مالی و مسائل مربوط به پول و داشتن دانش و آگاهی مربوط به آن برای تک‌تک افراد جامعه ضروری است، البته نمی‌توان این ادعا را داشت که با پول می‌توان خوشبختی را خرید، ولی اگر صادقانه به این موضوع نگاه کنیم آیا بی‌پولی آرامشی به همراه دارد؟

به گزارش جام جم، بی‌پولی و فکر کردن دائم به آن جز اضطراب و نگرانی و مبتلا شدن به انواع و اقسام بیماری‌های جسمانی و روانی نکته مثبتی ندارد. پس باتوجه به اهمیت مساله پول بهتر است به هوش مالی خود که یکی از برترین هوش‌ها در زمینه مالی و اقتصادی است بیشتر توجه و سعی کنیم آن را تقویت کرده و بیشتر به آن بپردازیم تا با استفاده از این هوش، هم بتوانیم در حل کردن مشکلات مالی مان بهتر عمل کنیم و هم راه‌های درآمدزایی بیشتر را یاد بگیریم.

هوش مالی بخشی از هوش شماسست که می‌تواند موضوعات مربوط به مسائل و مشکلات مالی تان را شناسایی و آن را حل کند. نمونه‌های ساده‌ای از این مشکلات که این هوش قادر به رفع آن است شامل نداشتن درآمد کافی و پیدا کردن راهکارهایی برای درآمدزایی بیشتر، بدهی‌های زیاد، داشتن پول و ناآگاهی برای استفاده مفید از آن است. البته اینها بخشی از مشکلات مالی است که ممکن است برای هر فردی در طول زندگی پیش آید. فردی با هوش مالی بالا می‌تواند این مشکلات را به آرامی و مرحله به مرحله حل کند. متأسفانه اگر شما هوش مالی پایینی داشته باشید مشکلات مالی تان همیشه حل نشده باقی می‌ماند و هرگز از بین نمی‌رود، بلکه در یک برهه از زمان کم‌رنگ‌تر و در زمانی دیگر پررنگ‌تر می‌شود. اگر هوش شما در این زمینه پایین است، باید معلومات مالی خود را افزایش دهید. با این افزایش می‌توانید مشکلات مالی را حل کرده و قوی‌تر از قبل شوید.

افراد بسیاری هستند که با وجود تحصیلات بالا، سختکوشی، صداقت و بسیاری از صفات پسندیده هوش مالی پایینی دارند و هرگز در زندگی خود از نظر مالی احساس رضایت نمی‌کنند. آنان به استعدادهای مالی خود پی نبرده‌اند و فقط یاد گرفته‌اند طبق عادت صبح از خواب بیدار شده و سر ساعت مقرر سر کار خود حاضر شوند، پس از بازگشت به منزل غذای مختصری خورده و به رختخواب روند.

درواقع این گروه فقط کارفرمایان خود را که شاید نصف آنان هم تحصیلات ندارند، پولدارتر می‌کنند و خود همیشه درجا می‌زنند. اگر آنان کمی به خود سختی دهند و از استعدادهای مالی و تحصیلاتشان استفاده کنند می‌توانند برای خودشان کار کنند. اهمیت این هوش به این دلیل است که با وجود مشکلات مالی و سایه انداختن آن بر زندگی ما، لذت و شادی را احساس نمی‌کنیم و همیشه با خود کلنجار می‌رویم. یکی از مسائلی که در تعیین هوش مالی مهم است میزان هوش هیجانی ماست؛ اگر افراد نتوانند در زمینه‌های عواطف، احساسات و عادت‌های بد خود را کنترل کنند، قطعا در کنترل و حفظ پول‌هایشان هم با مشکل روبه‌رو می‌شوند. مثلا افرادی که همیشه عادت دارند بیش از درآمد خود خرج کنند، بزرگ‌ترین مقروضان دنیا هستند و حتما لازم است راه‌حل مناسبی برای این مشکل خود پیدا کنند. پس چه خوب است یاد بگیریم روی هوش مالی خود کار و آن را تقویت کنیم، هرچه این کار را بادقت‌تر انجام دهیم می‌توانیم مشکلات مالی خود را راحت‌تر حل کرده و حرفه‌ای‌تر شویم.

در افزایش هوش مالی به توصیه‌های زیر توجه کنید:

برای چیزهایی که ارزش دارند، سرمایه‌گذاری کنید: سرمایه‌گذاری برای موارد بی‌ارزش، ارزش چیزهای باارزش را هم از بین می‌برد.

چشم و ذهنی هوشیار داشته باشیم: از تجربیات مالی دیگران بخوبی استفاده کنید و بر شکست‌های خود و دیگران تمرکز کنید.

مطمئن باشید پیروزی مقابل شکست نیست بلکه درون آن است. اهداف والا انتخاب کنید: بسیاری از کارشناسان مالی به مردم پیشنهاد می‌کنند برای موفق شدن اهداف کوچک را انتخاب کنند، اما به یاد داشته باشید برای دستیابی به بهترین، باید بهترین‌ها را انتخاب کرد و بهترین بود.

همچنین اگر می‌خواهید در زمینه مالی موفق شوید، به دنبال محیط مناسب برای رشد مالی‌تان باشید تا بتوانید از توانایی‌ها و قابلیت‌های خود به بهترین شکل استفاده کنید. مثلا اگر شما در محیطی کار می‌کنید که فقط در آن شکست و ناامیدی تعریف شده است دلیلی ندارد آنجا بمانید، زیرا این یاس و ناامیدی در شما هم رخنه کرده و هیچ‌گاه به رضایت شغلی نمی‌رسید.

استعداد و توانایی‌های خود را دریابید: افرادی که سعی نمی‌کنند استعدادها و قابلیت‌های خود را کشف کنند، افراد تنبلی هستند که فقط کارهای ساده و بی‌دردسر را انجام می‌دهند. باید توانایی‌های خاص خود را پیدا کرده و به خودمان اجازه دهیم در آنها به رشد و تکامل برسیم.

خانم‌ها، مدیر مالی توانمند برای خانواده توانایی زنان برای مدیریت مالی‌شان تا حد زیادی به این امر بستگی دارد که برخی از خرافه‌های زیر را کاملا از ذهن خود پاک کنند.

پول برای یک زن شادی نمی‌آورد: البته نمی‌توان همیشه شادی را با پول خرید اما در فقر ماندن هم برای یک زن خوشحالی به همراه ندارد. گاهی پول و استفاده درست آن راه‌هایی پیش پای شما می‌گذارد که هیچ چیز دیگری قادر به انجام آن نیست. این جمله معروف را به یاد داشته باشید که یکی از سرمایه‌داران می‌گفت: من ثروتمند بوده‌ام، فقیر هم بوده‌ام. باور کنید ثروتمند بودن بهتر از فقر است. اگر شما نمی‌توانید از پول خود لذت ببرید به این دلیل است که نمی‌دانید چگونه از پول برای حل مشکلاتتان استفاده کنید. حداقل، پول می‌تواند شما را نزد یک درمانگر خوب ببرد.

صحبت کردن درباره پول در شأن یک خانم نیست: واقعا گفت‌وگو درباره پول چه ارتباطی می‌تواند به شأن و منزلت یک خانم داشته باشد؟ حقیقت صحبت کردن درباره پول نیست که دیگران را آزار می‌دهد، بلکه هوش و ذکاوت برخی زنان در زمینه‌های مالی است که آنان را آزرده می‌سازد. زنان فراموش نکنند دانش و پول هر دو برای آنان قدرت را به ارمغان می‌آورد.

این خرافه را باور نکنید که مردان در امور مالی و پول از زنان باهوش‌ترند: آیا زن ناشناخته‌ای به نام زن پول در مردان وجود دارد که در زنان نیست. بارها اتفاق افتاده که زنان به هوش مالی مردانشان اطمینان کرده‌اند و در نهایت ورشکسته شده‌اند.

اگر در آمد یک زن بالاتر از همسرش باشد، موجب سرخوردگی همسر وی می‌شود: این باور تا اندازه‌ای درست است، چراکه اغلب بالا بودن درآمد زن باعث ایجاد تنش و اعتماد به نفس در دیگری می‌شود. اما شما با مدیریت درست، گفت‌وگوهای صادقانه درباره مسائل مالی و هزینه‌ها و... با همسران می‌توانید این‌گونه تنش‌ها را در خانه از بین ببرید و با ارائه ایده‌های خوب حتی باعث درآمدزایی همسران هم بشوید.

نیازی نیست تا این اندازه روی تحصیلات عالی برای شغل پردرآمد تاکید داشته باشید: چراکه درآمد شما به‌عنوان درآمد ثانوی بعد از ازدواج محسوب می‌شود. مطمئن باشید افرادی که این تصور نادرست را در شما ایجاد می‌کنند فقط قصد دارند مانع پیشرفت شما به سطوح عالی تحصیلی شوند.

زنان برای امور مربوط به پول و محاسبات مناسب نیستند: چرا برخی بر این عقیده‌اند که دختران در ریاضیات قوی نیستند بنابراین محاسبات به آنان مربوط نمی‌شود؟ تحقیقات نشانگر آن است که دختران و پسران به یک اندازه می‌توانند در درس ریاضی موفق شوند، اما دختران برای یادگیری ریاضیات نگرانی بیشتری دارند.

باید و نبایدهای تقویت هوش مالی

- هر روز زمانی را به خواندن مطالبی درباره پول و مسائل اقتصادی اختصاص دهید. برنامه‌های اقتصادی شبکه‌های تلویزیونی را ببینید و با مطالعه کتاب‌ها و مجلات اقتصادی اطلاعات مالی خود را بالا ببرید.
- پس‌انداز کردن را شروع کنید. فرقی نمی‌کند چقدر درآمد دارید و از چه مبلغی می‌خواهید پس‌انداز کردن را شروع کنید، حتما مبلغی را به‌عنوان پس‌انداز کنار بگذارید تا در صورت نیاز محتاج نزدیک‌ترین فرد خانواده‌تان هم نشوید.
- از مدیر شدن نترسید. از داشتن موقعیت شغلی بالاتر و حقوق پایه بیشتر استقبال کنید. اعتماد به نفس خود را بالا ببرید و سعی کنید مهارت‌های مدیریت و تجارت را بخوبی فراگیرید و به آن عمل کنید.
- هنگامی که شرایط روحی خوبی ندارید، لطفا خرید نکنید. خرید کردن یک راه‌حل کوتاه‌مدت برای حال بد شماست. ممکن است در همان لحظه حالتان خوب شود اما این احساس زودگذر است.
- در برابر وسوسه خرج کردن مقاومت کنید. سعی کنید در لحظه‌ای که وسوسه می‌شوید تا پول‌هایتان را یکجا خرج کنید، به احساسات دیگری فکر کنید که بتواند شما را از خرج کردن عاطفی برهاند.
- از خود بپرسید در خرج کردن پول تحت تاثیر چه شرایط و افرادی هستید. به‌عنوان مثال اگر به واسطه ازدواج به یکباره به طبقه ثروتمند راه پیدا کرده‌اید، طبیعتاً شروع به خرج کردن پول‌های خود می‌کنید و درواقع خودنمایی می‌کنید. مراقب باشید آرامش خود را با این خودنمایی‌ها و ولخرجی‌ها از دست ندهید.
- به ارزش‌هایتان توجه کنید. برخی بر این عقیده‌اند که ثروت، فانی و زودگذر است چراکه ممکن است با یک بیماری یا دگرگونی شرایط اقتصادی ناگهان همه پول‌ها نبود شود. پس متناسب با ارزش‌هایتان زندگی کنید نه متناسب با ثروتان.
- برای استفاده از ارثیه خود برنامه‌ریزی صحیحی داشته باشید. وقتی ارثیه‌ای به شما می‌رسد این تصور را داشته باشید که این آخرین شانس شماست. با ارثیه خود برای آینده‌تان سرمایه‌گذاری کنید.
- هیچ‌گاه اجازه ندهید تمام دارایی مشترک‌تان به نام شریک مالی‌تان باشد. حتی اگر این شریک مالی نزدیک‌ترین فرد به شما باشد.
- مواظب احساسات‌تان باشید. اجازه ندهید احساسات‌تان مانعی برای حساب و کتاب مالی‌تان شود و به آسانی از حق خود بگذرید.
- اجازه ندهید مدرک تحصیلی‌تان تعیین‌کننده سرنوشت‌تان شود. فقط به این دلیل که مدرک فلان رشته را دارید نباید در شغل کم‌درآمد مربوط به آن رشته مشغول به کار شوید.

- در کارهای خیریه شرکت کنید. برخی افراد آن قدر غرق در جمع‌آوری پول هستند که دیگر توجهی به مستمندان و اطرافیان نیازمند خود ندارند. هیچ‌گاه نیازمندان را فراموش نکنید و پولتان را فقط برای خودتان خرج نکنید. برای دیگران هم مایه بگذارید.

- به فرزندان خود بقبولانید که می‌خواهید از نظر مالی مستقل باشید. اگر دائماً فرزندانان از شما پول طلب می‌کنند، یادآوری کنید که دوست ندارید در روزگار پیری محتاج کسی باشید. البته کمک کردن به فرزندان بد نیست، اما این کار نباید به صورت عادت شود.

اسرار ویژه برای داشتن ذهن ثروتمند

- ۱- افراد ثروتمند و میلیاردرهای خود ساخته باهوش تر و برتر از شما نیستند. اما آنها از یک سری اسرار ویژه برای ثروتمند شدن بهره گرفته اند که شما نیز می‌توانید با پیروی از آنها حداقل کسب و کار خود را رونق بخشید.
- ۱- رویاهای بزرگی در سر داشته باشید. افکار بزرگ زندگی شما را متحول خواهد ساخت.
- ۲- یک تصویر خاص از مقصد مسیر خود در ذهن تان ترسیم کنید. هر اندازه این تصویر مشخص تر و خاص تر باشد امکان دستیابی شما به آن بیشتر خواهد بود.
- ۳- به گونه ای رفتار کنید که گویی شما مالک کسب و کارتان هستید. ولو آنکه برای شخص و شرکت دیگری کار می‌کنید. این نگرش شما بذره‌های موفقیت و استقلال شغلی را در سرنوشت شما خواهد کاشت.
- ۴- شغل خود را دوست داشته باشید. چنانچه به آن علاقه مند نیستید آن را رها کنید. با «نه» گفتن به شغلی که تنها برای پول انجامش می‌دهید شغل دلخواه خود را همچون آهن ربا جذب خود خواهید کرد.
- ۵- یک گروه خوش فکر تشکیل دهید. با افرادی که متعهد به ایجاد یک شغل بزرگ هستند جلسه تشکیل دهید. اندیشه‌ها و ایده‌های خود را با یکدیگر در میان بگذارید و از یکدیگر پشتیبانی کنید.
- ۶- همواره ضوابط اخلاق کاری را رعایت کنید.
- ۷- پیشرفت و بهبودی دائم و بی وقفه در شغل خود را سر لوحه اعمال خود قرار دهید. همیشه به علم خود بیفزایید.
- ۸- شغل خود به عنوان یک خدمت رسانی بنگرید. یاری رساندن به دیگران کسب و کار شما را رونق خواهد بخشید.
- ۹- تمام جزئیات و ریزه کاری‌های شغل خود آگاهی یابید. این پیشه شماست.
- ۱۰- مترصد فرصتها باشید. هر لحظه ممکن است بر در شما بکوبد. آیا شما آماده هستید؟

- ۱۱- تناسب اندام خود را حفظ کنید. ذهن توانمند جسم نیرومندی پدید می آورد. بدن ضعیف معلول ذهن ضعیف است. سلامت جسمانی و روانی شما اساس موفقیت شما در زندگی می باشد.
- ۱۲- زندگی خود را اولویت بندی کنید. ابتدا کارهای مهم تر را به انجام رسانید.
- ۱۳- پیش از آنچه مشتری انتظار دارد به وی خدمت ارائه دهید. این عمل اعتماد سازی کرده و مشتریان شما را افزایش می دهد.
- ۱۴- فرد منضبطی باشید. زندگی خود را از فعالیتها و افرادی که موجبات پیشرفت و بالنگی شما را فراهم می آورند، پر کنید. فعالیتهایی که بر زندگی شما اثر منفی می گذارند را از خود دور سازید.
- ۱۵- نخست به خودتان پرداخت کنید. این نخستین قانون متمولان است. پس انداز را هیچگاه فراموش نکنید.
- ۱۶- هر از چند گاهی تنهایی را تجربه کنید. در زمان تنهایی به ندای درون و اندیشه های ذهن خود گوش فرا دهید و برنامه ریزیهای خلاقانه کنید.
- ۱۷- بسوی برتری گام بردارید. بهترین را ارج دهید و به کمتر از آن قانع نباشید.
- ۱۸- صداقت و درستکاری بهترین سیاست است. خود و خواسته های خود را بشناسید و آنها را همیشه صادقانه بیان دارید.
- ۱۹- در روند تصمیم گیری سریع عمل کرده و در تغییر آنها کند و آهسته باشید.
- ۲۰- شکست گزینه شما نخواهد بود. تمام افکار شما باید بر موفقیت متمرکز باشد. شما باید موفق گردید.
- ۲۱- در دستیابی به اهدافتان مصمم باشید. پافشاری سرسختانه اعتماد بنفس شما را تقویت کرده و شما را به پیروزی نهایی نزدیک می کند.
- ۲۲- بر خلاف جریان آب شنا کنید. هیچگاه از ایده ها، عقاید و رویکردهای نو نهراسید.
- ۲۳- بر روی فرصتها تمرکز کنید و نه بر روی موانع.
- ۲۴- سه عنصر ترس، پشت گوش اندازی و تنبلی را از زندگی خود بیرون اندازید.
- ۲۵- به خاطر داشته باشید اغلب افرادی که در کنار شما زندگی می کنند از پیشرفت و ثروتمند شدن شما خشنود نخواهند شد و ممکن است در این مسیر مرتبا شما را از دستیابی به اهدافتان دلسرد سازند. تنها به اهداف خود بیندیشید و آنها را نادیده بگیرید.

۲۶- یاد بگیرید خودخواه باشید. خودخواهی به معنی نادیده گرفتن حقوق دیگران نیست. بلکه به مفهوم ارج نهادن به خواسته ها و آرزوهای خودتان و مقدم دانستن آنها بر خواسته های دیگران است.

هنر کسب ثروت در چند مرحله

۱- ذهن ثروتمند ، انسان پولدار! :

برایان تریسی یکی از مهمترین کارشناسان فعال در زمینه موفقیت و کسب و کار می گوید: شما در هر طبقه اجتماعی هستید و یا هر سطحی از درآمد را دارا هستید نتیجه چیزی جز آنکه اندیشه اید و خواسته اید نیست. بنابراین اگر می خواهید موفقیت مالی بالایی بدست آورید و پول بسیاری داشته باشید و اگر می خواهید شیوه و میزان کسب در آمد خود را متحول کنید باید از نظر ذهنی تغییر کنید.

شما نیازمند ذهنی ثروتمند هستید تا ثروت و پول را برای شما به ارمغان بیاورد. ذهن ثروتمند نقطه آغاز پولدار شدن شماست.

۲- کشف راه های کسب در آمد و پولدار شدن :

دومین مرحله ثروتمند شدن کشف نحوه پول درآوردن است. شما نمی توانید بدون پیدا کردن راه و شیوه درست پول دار شدن حرکتی انجام دهید و به موفقیت برسید. نقطه شروع را باید مشخص کنید و سپس راه را بشناسید تا به مقصد نهایی یعنی کسب ثروت برسید.

باید عمیقا درک کنید و بدانید که چه میخواهید . بدانید در چه زمینه ای میخواهید به استقلال مالی و کسب درآمد بالا دست پیدا کنید و چگونه رفتارهای خود را برای رسیدن به این هدف تنظیم کنید.

در هر زمینه ای قوانین ثابتی برای کسب ثروت و پولدار شدن وجود دارد. شما تنها باید این قوانین را آموخته و بکار ببندید.

۳- برنامه ریزی:

پس از آنکه مشخص کردید از چه طریق میخواهید به ثروت برسید و راه های موفقیت در کسب و کار را آموختید باید برنامه ریزی کنید. با برنامه ریزی درست امکانات ، زمان و حرکت بعدی شما مشخص و هدایت شده خواهد بود و شما را در پیش برد اهدافتان یاری خواهند کرد ضمن اینکه با وجود برنامه ریزی بررسی میزان پیشرفت کار برای شما ساده تر و قابل پیگیری خواهد بود.

حتی اگر ذهن ثروتمند داشته باشید و راه های درست کسب و کار را هم بلد باشید بدون برنامه ریزی و مشخص کردن جدول زمانبندی به مقصد نهایی نخواهید رسید و هرگز ثروت رویایی خود را بدست نخواهید آورد.

۴- تلاش و پشتکار مداوم:

تمامی مراحل ذکر شده برای ثروتمند شدن شرایط لازم هستند و نه شرایط کافی یعنی شما باید آنها را رعایت کنید تا قدم در راه کسب در آمد بگذارید اما برای نهایی کردن اقدامات خود و حقیقت بخشیدن به مراحل قبل باید تلاش و پشتکار مداوم را چاشنی فعالیت های روزمره تان کنید. آنهم تلاش تا جایی که دیگر کاری برای انجام نباشد. آنقدر سعی و تلاش کنید تا اگر در آینده به کار ها و فعالیت خود نگاه کردید به خود نگوئید “ اگر یه کم بیشتر تلاش میکردم فلان میشد و بهمان می شد! ” اگر شما تلاش و پشتکار خوبی داشته باشید حتما به موفقیت و استقلال مالی خواهید رسید.

۵- بررسی نتایج:

بررسی نتایج از مهمترین مراحل است و مانند این است که در راهی قدم گذاشته اید و مرتبا با قطب نما یا شاید هم جی پی اس! و نقشه ای که در دست دارید موقعیت کنونی خود و فاصله و جهت مقصد را می سنجید. ارزیابی و کنترل رفتارها و تعدیل افکار و اعمال برای رسیدن به ثروت و پولدار شدن بسیار اهمیت دارند. در این حالت شما میتوانید موقعیت های سخت و تهدیداتی که در سر راه موفقیت شما قرار دارند را از پیش ارزیابی کرده و عکس العمل مناسب را در زمان مناسب از خود نشان دهید تا در راه موفقیت و کسب درآمد عالی با شتاب به پیش روید.



بهار ۱۳۹۷ - رضا فریدون نژاد